

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کارکرد های حجاب و عفاف در پنج محور

سیده نرگس خاتون مجتهد نجفی

فرحناز قاسمی سراب

نسابک:

۹۷۸-۶۲۲-۹۵۳۰۸-۵-۶

قم ناشر: ثقلین راه زندگی

چاپ: اول / ۱۴۰۰

شمارگان: ۷۵ جلد قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

آدرس مؤسسه و انتشارات ثقلین راه زندگی:

قم / خیابان صفائیه / کوچه ممتاز (کوچه ۲۴) انتهای کوچه مقابل مدرسه امام موسی

صدر / پلاک ۱۱۹

تلفن ۰۲۵۳۷۷۴۷۳۴۷ همراه: ۰۹۱۸۰۸۹۲۲۹۲

کارکردهای حجاب و عفاف

در پنج محور

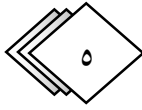
تألیف:

سیده نرگس خاتون مجتهد نجفی

فرحناز قاسمی سراب

اهداء

تقديم به خون پاک علماء و شهدای مظلوم قیام مسجد گوهر شاد
که با نثار جان پاک خویش پوشش عفاف را بر سر بانوان این مرز و
بوم حفظ کردند.

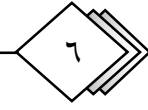


فهرست مطالب

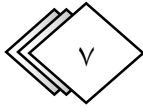
فهرست

مفهوم حجاب.....	۱۳
مفهوم عفاف.....	۱۳
❖ حجاب اسلحه دوران	
مقاومت.....	۱۷
حجاب اسلحه دوران مقاومت.....	۲۸
۱. منع نگاه به نامحرم.....	۳۳
۳. نحوه گفتگو با نامحرم.....	۴۶
۵. آیه حياء.....	۵۲
۶- آیه عفاف.....	۵۴
الف) منع دوست پسر.....	۵۶
ب) منع دوست دختر.....	۶۰
۱۰- آیات لباس.....	۶۱
۱۱- آیات اذن ورود.....	۶۳
حجاب خود سازی.....	۶۶
۱.....	۶۶

ابعاد لزوم حجاب



سلامت جسمانی ۹۸



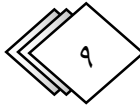
چکیده

مقدمه

﴿ذَلِكَ أَذُنِي أُنْ يُعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينِ﴾^۱

حجاب و عفاف زینت زنان در طول دورانهای تاریخ است. هیچ ملت آزاده ای از بی حجاب شدن زنان لذت نمی برد بلکه آن را ننگ و اسارت بر خویش تلقی نموده است. تارخ هم نشان داده شاهانی که میل به پوشش زنان نداشته اند همین امر عامل سقوط آن گشته است. حجاب زنان یک رمز پیروزی و اقدار یک ملت در مقابل دشمنان است. حجاب برای ما مسلمانان یک اصل قرآنی است که اعتقاد به آن از ضروریات دین و مذهب است. حجاب یک واجبی است که اگر کسی به کارکرد های آن از توجه نماید دیگر جامعه را در قله های رفیع پیشرفت مادی و معنوی خواهد دید. حجاب و عفاف فقط یک نوع پوشش تلقی نمیشود بلکه نوعی ایدولوژی است اگر زنان در جامعه حجاب داشته باشند علاوه بر انجام وظیفه الهی خویش، آن جامعه در سایه امنیت اجتماعی متولد شده از حجاب رونق اقتصادی و پیشرفت کاری خواهد داشت. حجاب با جلوگیری از تجمل گرایی و مصرف گرایی کاذب زنان شخصیت اخلاقی او را تکامل بخشیده و زن و مادر را برای حفظ کیان خانواده آماده می سازد. در سایه عفاف و حجاب مادر است که نسلی پاک به اجتماع تقدیم می شود. باید گفت: حجاب یک مساله سرنوشت ساز و یک فرهنگ است و افزون بر وظیفه شرعی یک وظیفه سیاسی، اعتقادی - اخلاقی، اقتصادی و

^۱. سوره احزاب آیه ۵۹.



اجتماعی، بهداشتی... است. در این راستا نوشته حاضر در صدد این است که به کارکردهای حجاب در پنج محور پردازد تا جوانان و زنان مرز بوم با بصیرت کافی حجابی که ثمره خون هزاران شهید و علمای مجاهدی که در طول حکومت ظالمانه جان خود را فدا کردند حفظ کنند تا نهال این انقلاب جان تازه ای بگیرد و زنان غیور و عفیف ملتمان به آزادی و امنیت کامل برسند.

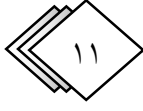
سخن نویسنده

انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به رهبری حضرت امام رحمته الله علیه و زعامت مقام معظم رهبری امام خامنه ای رحمته الله علیه از همان دوران شکل‌گیری تا امروز بر نهادینه شدن فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یکی از اصول اولیه و ریشه‌دار حاکمیت اسلامی نگریسته و بر گسترش و تعمیق آن اصرار دارد. جهان غرب و دشمنان اسلام با برنامه ریزی سعی در محو و بی ارزش جلوه دادن مبانی اسلامی و مباحثی همچون حجاب هراسی، منع حجاب در بعضی دانشگاهها و مدارس و با ترویج مظاهر بی عفتی، بی بند و باری و بدحجابی در داخل و کمرنگ نمودن نمادهای فرهنگ اسلامی و سایر مظاهر دینی در جامعه ایرانی بویژه محیط مقدس دانشگاهی تلاش می‌کنند تا به هنجارشکنی در جامعه اسلامی پردازند.

لذا از سازمان های فرهنگی متولی، رسانه ها، دستگاه های تربیتی و ارشادی می‌خواهیم جهت شناساندن عمق و محتوای حجاب و عفاف برنامه‌ریزی و از نفوذ مصادیق فرهنگ مبتذل غرب با هر عنوان و نامی جلوگیری نمایند تا جوانان پاک انقلابی ما بتوانند در کمال آرامش روحی جسمی، اجتماع را به محیط کار و تلاش تبدیل و سلامت روانی و اخلاقی جامعه را تضمین نمایند.

در پایان از زنان آزاد اندیش، دختران فرهیخته و دانشگاهی ایران عزیز درخواست می‌شود برای خنثی نمودن توطئه های فرهنگی دشمن با رعایت پوشش شایسته دختر مسلمان ایرانی بار دیگر هویت ملی و دینی خود را به جهان تشنه معنویت هدیه کنند.

و من الله التوفیق



مقدمه

بخش اول:

مفهوم و ضرورت حجاب

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

- ❖ مفهوم حجاب چیست؟
- ❖ مفهوم عفاف چیست؟
- ❖ ضرورت حجاب چیست

مفهوم حجاب

حجاب، در لغت به معنای «مانع»، «پوشش» و «پرده» آمده است.^۱ پوششی، حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.^۲

حجاب یکی از احکام اسلامی است و اصطلاحاً عبارت است از پوشاندن اعضای بدن به جز صورت و دو دست تا مچ توسط زنان مسلمان‌دّر برابر مردانی که طبق شریعت اسلامی نامحرم شمرده می‌شوند.

مفهوم عفاف

کلمه «عفاف» از ماده «عفف»، به معنای «خودداری کردن و بازداشتن نفس از هر چه حلال و زیبا نیست». ^۳ راغب اصفهانی در مفردات عفت را اینگونه معنا می‌کند: «حصول حالتی برای نفس که به وسیله آن از غلبه کردن شهوت امتناع می‌ورزد. همچنین عفت در اصطلاح به معنای

۱. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ذیل / واژه محمد بن محمد

زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ذیل واژه.

۲. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۹۲.

۳. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۱۵۹.

راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۲۱۹؛

خودداری از آنچه که زیبا و شایسته نیست، خودداری از حرام‌ها و طمع‌های پست است»^۱.

رابطه حجاب و عفاف

حجاب نیز یکی از مهمترین ابعاد عفت در به کنترل درآوردن و تعدیل غریزه خودنمایی و جلوه‌گری است. این سخن که از مهمترین بحث‌های عفاف، حجاب است، سخنی گزاف نیست زیرا، حجاب نقش به‌سزایی در کاهش تحریکات جنسی در جامعه به عهده دارد. هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و بالعکس هر چه عفت باطنی و درونی بیشتر باشد، حجاب و پوشش ظاهری در مواجهه با نامحرم بیشتر می‌شود. در واقع حجاب تکمیل‌کننده عفاف یک زن است.

ضرورت حجاب

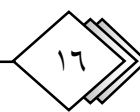
بدون شک در عصری که بعضی نام آن را عصر برهنگی و آزادی جنسی گذارده‌اند و افراد غربزده، بی‌بند و باری زنان را جزئی از آزادی می‌دانند سخن گفتن از کارکردهای مختلف حجاب به ویژه تبیین ابعاد لزوم آن برای این دسته ناخوشایند و گاه افسانه‌ای است متعلق به

زمانهای گذشته! ولی مفاسد بی حساب و مشکلات و گرفتاریهای روز افزونی که از این آزادیهای بی قید و شرط در جوامع بشری به وجود آمده سبب شده که تدریجا گوش شنوایی برای این سخن پیدا شود.^۱ البته در محیطهای اسلامی و مذهبی، مخصوصا در محیط ایران بعد از انقلاب جمهوری اسلامی، بسیاری از مسائل حل شده، و به بسیاری از این سؤالات عملا پاسخ کافی و قانع کننده داده شده است، لیکن اهمیت موضوع ایجاب می کند که این مساله به طور گسترده تر مورد بحث قرار گیرد.

آن چه در این پژوهش به دنبال آن هستیم شناخت ابعاد و کارکردهای وجود حجاب در جامعه است هر چند حجاب کارکردهای متعددی دارد اما به طور عمده به پنج مورد آن یعنی کارکرد تاریخی - سیاسی، اعتقادی - اخلاقی، خانوادگی - اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی آن اشاره می کنیم.

^۱-مکارم، ناصر، تفسیر نمونه؛ ج ۱۴؛ ص ۴۴۲

ابعاد لزوم حجاب



فصل اول:

حجاب، تاریخ و سیاست

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

- ❖ پیشینه حجاب و بی‌حجابی در غرب
- ❖ حجاب در ایران باستان
- ❖ زمینه‌های کشف حجاب در ایران
- ❖ کشف حجاب در دوران پهلوی
- ❖ قیام علیه کشف حجاب
- ❖ چرایی کشف حجاب در ایران و ترکیه
- ❖ حجاب در بعد از انقلاب
- ❖ حجاب اسلحه دوران مقاومت

پیشینه حجاب و بی حجابی در غرب

حجاب زنان در هر دوران، نمادی از جایگاه و ارزش انسانی است. با یک نگاه کلی به تاریخ درمی‌یابیم که زنان به طور فطری علاقمند حجاب بوده‌اند. آثار تاریخ بجای مانده از ملل مختلف نشان می‌دهد که پوشش در تمام فرهنگ‌های قبل از اسلام سابقه داشته است و لباس زنان نسبت به لباس مردان بلندتر و کامل‌تر بود. در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در تصاویری که نقاشی مصری کشیده، دختران تمام بدن و پسران، نیمه پایین بدن خود را پوشانده بودند. در کتاب تاریخ پوشاک اقوام ایرانی آمده است: در یونان باستان زنان هنگام حضور در اجتماع، صورت و اندام‌شان (تا روی پاها) را می‌پوشاندند. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌نویسد: «در دوران باستان زنان فقط در صورتی در جشن‌های مذهبی و تماشاخانه‌ها حضور پیدا می‌کردند که کاملاً در حجاب باشند. در فرهنگ رومی‌ها کسانی را که لباس تنگ می‌پوشیدند مجازات می‌کردند. زنان روی لباسشان ردای بلندی تا مچ پا، می‌پوشیدند که استولا نام داشت و وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. البته در همین دوران‌ها نیز فرهنگ برهنگی هم رواج داشته است. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، تاریخ برهنگی را بررسی کرده است، او در رابطه با برهنگی در دوران باستان و در تمدن‌های باستانی می‌نویسد: در جوامع خالی از معنویت و اخلاق، زن همواره بعنوان وسیله‌ای برای لذات جسمانی مرد، مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد؛ در یونان و رم

باستان، بدلیل رواج ایدئولوژی لذت‌طلبی، در تمام اخلاقیات، تردید شد. ارزش‌های حاکم بر جامعه تغییر کرد و خدایان به اشکال برهنه به تصویر کشیده شدند و در نهایت فساد جنسی دامن نویسندگان و فلاسفه را نیز گرفت، ازدواج امری بی‌ارزش گشت و طلاق بالا گرفت و دیری نگذشت که این انحطاط اخلاقی، تمدن آنان (یونان، بابل و...) را به انقراض کشید.^۱

در کتاب مقدس یهودیان شامل تورات و کتب پیامبران دیگر یا عهدقدیم دستوری در مورد پوشاندن موی سر برای زنان وجود ندارد. اما در یهودیت به صورت سنتی، زنان متاهل موهای خود را می‌پوشانند.^۲ در مسیحیت، اجباری در مورد نحوه پوشش مردان یا زنان وجود ندارد، جز اینکه باید پوشش مرد یا زن در خور یک مسیحی مومن باشد.^۳ برخی تصور می‌کنند زنان غربی در گذشته هم به همین سبک فعلی لباس می‌پوشیده‌اند. در صورتیکه زنان غربی تا اوایل قرن هیجده از برهنگی در جامعه خودداری می‌کردند در قرون اول تا ۱۶ میلادی زنان اروپایی از لباس‌های پوشیده استفاده می‌کردند. ویل دورانت در این رابطه می‌نویسد: «بلندی لباس‌های بانوان اصیل اروپایی، تا روی پاها می‌رسید. زنان اشراف به ندرت در انظار عمومی ظاهر می‌شدند. در اروپا مرد و زن از پیراهن‌های بلند با آستین‌های بلند استفاده می‌کردند که کاملاً بدن را

^۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن،

«*Jewish religious clothing*» ۱۸۸ تیر ۱۳۹۹.

^۳. عهدجدید، رساله اول پطرس، باب ۳، آیه ۳.

می‌پوشانند. در حالی که در قرن ۱۷ یک زن بندرت می‌گذاشت مردان پاهایش را ببینند»^۱.

در کشورهای شرقی مانند هند زنان لباسی مانند چادر می‌پوشند و آن را روی خود می‌کشند، به گونه‌ای که صورتشان پیدا نیست.^۲ در ژاپن تا قبل از دهه هفتاد، تقریباً همه مردم ژاپن انواع لباس‌های بومی خود یعنی «کیمونو» را به تن می‌کرد.

در مغرب زمین ترویج برهنگی یا سیاست «حیازدایی» از ابتدای قرن پانزدهم هم زمان با آغاز دوره رنسانس آغاز شد. دوره رنسانس که مبتنی بر آزادی بی حد بشر و ارضای بدون محدودیت غریزه جنسی بود و این تغییر سبک لباس ابتدا در کشورهای غربی کلید خورد و سپس در کشورهای شرقی پیگیری شد.^۳

این برهنگی اجباری زنان در کنار رواج فرهنگ مصرف‌گرایی، سرمایه‌داران را ترغیب کرد که از جذابیت‌های جسمی زنان بعنوان وسیله لذت و سرگرمی برای کسب سود بیشتر و تجارت خود استفاده کنند.^۴

^۱. ویل دورانت

^۲ فلسفه الحجاب فی وجوب النقاب / اصفهانی حائری

^۳. تاریخ تمدن ویل دورانت

^۴. لذات فلسفه،

حجاب و بی‌حجابی در ایران

به‌طور کلی در تاریخ ایران نیز زنان ایرانی در زمان مادها و پس از آن پوشش کاملی داشتند که شامل پیراهن بلند چین دار، شلوار، چادر و شنلی روی لباس‌ها بود. این پوشش در زمان هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان نیز معمول بود بعد از ورود اسلام به ایران تنها تغییری که در پوشش زنان ایرانی ایجاد می‌شود آن است که روسری هایشان را از قسمت زیر گلو گیره می‌بستند بطوریکه دیگر گردنشان شان پیدا نبود. در واقع اسلام، حجاب زن ایرانی را تکمیل می‌کند.^۱

این نحوه از پوشش تا زمان صفوی ادامه داشت. از دوره صفویه کم‌کم حضور جهانگردان در ایران زیاد شد. این جهانگردان در سفرنامه‌های خود توصیفات جالبی از زنان ایرانی دارند. مثلاً کلاویخو جهانگرد اسپانیایی در سفرنامه اش می‌نویسد: «زن‌های شهری معمولاً روی پوشیده‌اند و چادر سفید داشته‌اند و نقاب سیاه؛ واقعا مثل ماه، زیر میخ (ابر) رفته‌اند». در قرن ۱۱ هجری (۱۷ میلادی) همزمان با گسترش بی‌سابقه روابط سیاسی تجاری ایران با کشورهای اروپایی و حضور بیگانگان در دربار، سبک‌های نقاشی‌فرنگی (که پس از رنسانس به عرصه‌ی بی‌بند و باری جنسی کشیده شده بود) به ایران راه یافت. هر چند در این دوره برای اولین بار تصاویری از زنان بدون پوشش کامل و حجاب در برخی دیوارنگارها و پرده‌های کاخ‌های شاهانه دیده شد، اما

^۱ . پوشاک در ایران باستان، فریدون پور بهمن، ص ۷۵؛ ضیاءپور، پوشاک باستانی ایران، ص ۵۶.

عملاً مردم جامعه، خصوصاً زنان ایرانی تأثیری از این بی‌حجابی نپذیرفتند و همواره با حجاب اسلامی در جامعه ظاهر می‌شدند.

پس از حکومت صفویان و در دوره قاجار زنان همواره حجاب داشته و با چادرهایی که به همراه روبند استفاده می‌شد در اجتماع حضور داشتند. اما مسئله تغییر پوشش در ایران، بصورت غیررسمی از دوره قاجار آغاز شد. در همین دوران رفت و آمدها به دربار و ارتباط خارجیان با ایرانیان در نوع پوشش مردان و زنان ایرانی تأثیر گذاشت. مقدمه دگرگونی پوشش زنان در دوره ناصرالدین‌شاه به دنبال مسافرت وی به اروپا فراهم شد. سفر شاه به اروپا و مشاهده بالرین‌های سن‌پترزبورگ در روسیه و طرز لباس آنها وی را بر آن داشت که پس از بازگشت به ایران زن‌های حرم خود را به لباس آنها درآورد. اما نبود شرایط مساعد برای عمومی کردن این رفتار سبب شد این سبک از پوشش تاحدودی در اندرونی دربار برقرار گردد.^۱

روند تجددخواهی در ایران پس از مشروطیت و به قدرت رسیدن گروهی از طرفداران غرب، شکل تازه‌ای به خود گرفت. آشنایی نو اندیشان ایرانی با اندیشه‌های فمینیسمی غرب، این فکر را در آنان به‌وجود آورد که زنان نیز می‌توانند در جامعه مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی بر عهده گیرند. هرچند تبعیت از ظواهر تمدن غربی در دوره قاجار سیری کند داشت و عمدتاً خانواده اعیان و درباریان با این مقوله

^۱ مهدی صلاح، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، صص ۷۳ — ۷۸

درگیر شده بودند اما سیر غرب زدگی با روی کار آمدن رضاخان در پی کودتای ۱۲۹۹ و به ویژه بعد از تغییر سلطنت، شدت بیشتری گرفت. به باور تاریخ‌نگاران، سفر رضاشاه به ترکیه در ۱۳۱۳ شمسی، بر نگرش او درباره میزان عقب‌ماندگی ایرانیان نسبت به ترک‌ها اثرگذار بود و او را نسبت به اجرای کشف حجاب مصمم کرد. وی پس از سفر، به مستشارالدوله صادق، سفیر کبیر ایران در ترکیه گفت: «هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم». برد و پس از بازگشت بی‌درنگ دست به کار شد تا آنچه را در آنجا آموخته بود، به کار گیرد.^۱

در خرداد ۱۳۱۴، رضاخان هیأت دولت را احضار کرد و گفت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم و باید در قدم اول کلاه‌ها تبدیل به شاپو بشود. و نیز باید شروع به رفع حجاب زن‌ها نمود و چون برای عامه مردم دفعتهً مشکل است اقدام کنند، شما وزرا و معاونین باید پیش قدم بشوید.^۲

قانون «اتحاد شکل لباس اتباع ایرانی در داخله مملکت»، ۱۰ دی ۱۳۰۷ش در مجلس شورای ملی وقت تصویب شد. بر اساس این مصوبه، «به جز برخی از روحانیان، کلیه اتبا ذکور ایران در داخله مملکت مکلف هستند که ملبّس به لباس متحدالشکل بشوند». در ادامه این مصوبه تصریح شده است که متخلفان از اجرای این قانون به جزای نقدی

^۱ مکی، تاریخ بیست‌ساله ایران، ج ۶، ۱۳۵۸ ص ۱۵۷. [۶]. صدر، خاطرات صدرالاشراف، ۱۳۶۴، ص ۳۰۲.

^۲ . یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۰۲.

محکوم می‌شوند و اجرای آن از فروردین ۱۳۰۸ش آغاز خواهد شد.^۱

قیام علیه کشف حجاب

دستور تغییر لباس و استفاده از کلاه شاپو که به مشهد رسید، علما و مراجع به شدت متأثر گشتند. آیت الله حاج آقا حسین قمی و آیت الله سید یونس اردبیلی، طی جلسات متعددی، این مسئله را بررسی کردند و اظهار نمودند که تغییر لباس به برداشتن حجاب منتهی خواهد شد. آیت الله حاج حسین قمی تصمیم گرفت به تهران برود و با رضاخان وارد مذاکره شود. هنگامی که به شهر ری رسید، پلیس محل سکونت ایشان را محاصره کرد. خبر گرفتاری آیت الله قمی سبب تشدید احساسات افکار عمومی گردید. به دنبال انتشار خبر بازداشت قمی در تهران، علما و مردم در مشهد در اعتراض به اقدام‌های شهربانی، شب نوزدهم تیرماه در مسجد گوهرشاد گرد آمدند. به محض آنکه گزارش بست‌نشینی مردم در حرم علی بن موسی الرضا به رضا شاه رسید، به مأموران نظامی مشهد دستور صریح داد که اگر تا فردا صبح، مردم بست‌نشینی را منحل نکنند، به بالاترین مجازات نظامی گرفتار خواهند شد ولی مردم فرمان نبردند بعد از آن نیروهای رژیم شاه اطراف صحن و حرم علی بن موسی الرضا و مسجد گوهرشاد را محاصره کرد و به تیراندازی به تحصن‌کنندگان پرداخت که در نتیجه‌اش، عده زیادی از زائران و تحصن‌کنندگان کشته شدند. شمار کشته‌شدگان این اتفاق چند ده نفر برآورد

^۱ تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ۱۳۷۸، سند شماره ۲، ص ۱۱-۱۰.

شده است.^۱ حکومت پیکر کشته شدگان را بدون رعایت آیین‌های شرعی در گوری دسته‌جمعی در محله خشت مال‌ها و باغ خونی مشهد به خاک سپرد.

پس از واقعه خونین مسجد گوهر شاد نیز سیاست‌های مبارزاتی علیه کشف حجاب زنان ادامه پیدا کرد. صدرالاشراف در خاطراتش می‌نویسد: «در اتوبوس زن باحجاب را راه نمی‌دادند و در معابر پاسبانها از اهانت و کتک زدن به زنهایی که چادر داشتند با هایت‌بی‌پروایی و بی‌رحمی فروگذار نمی‌کردند. حتی بعضی از مامورین بخصوص در شهرها و دهات، زنهایی که پارچه روی سر انداخته بودند، اگر چه چادر معمولی نبود از سر آنها کشیده پارچه پارچه می‌کردند و اگر زن فرار می‌کرد او را تا توی خانه‌ای تعاقب می‌کردند و به این هم اکتفا نکرده اتاق زن‌ها و صندوق لباس آنها را تفتیش کرده، اگر چادر از هر قبیل می‌دیدند پارچه می‌کردند یا به غنیمت می‌بردند».^۲

^۱ حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۱ - ۲۸۳
^۲ . محسن صدر، خاطرات صدرالاشراف، ص ۲۱۱.

بیشتر مردم در برابر کشف حجاب رضاخانی مقاومت کردند و دستگاه حکومت پهلوی علی رغم همه زورها و فشارهای اجتماعی و تبلیغاتی خود، روز به روز خود را در این مسئله شکست خورده تر دید.

بالاخره دیدیم که همان زنانی که اجازه نداده بودند رضاخان با تغییر لباس آنان، پرچم بیگانه را بر تن آنان بیوشاند، همان زنانی که سالها مقاومت منفی کردند و در خانه ماندند، چهل و چند سال بعد همراه دختران و نوه‌های خود، با همان چادرها یعنی با همان پرچم‌های مسلمانی خود قیام کردند و دوش به دوش برادران خود، در یک انقلاب خونین، با بر انداختن دودمان پهلوی به سلطه فرهنگ رضاخانی نیز خاتمه دادند.

حجاب بعد انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه مردم و خصوصا زنان بیشتر از همه مشتاق به حجاب شدند. امام خمینی رحمته الله علیه رهبر کبیر انقلاب فرمودند: «مع الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است؛ یکی در جاهلیت... و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید. در موقع دیگر، در ایران ما، زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق، به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم کردند به زن. زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند... در صورتی که زن انسان است؛ آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است... سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است. زن با تربیت صحیح

خودش انسان درست می‌کند. مبدأ همه سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود و مع الاسف زن را به صورت یک لُعبه در آوردند این پدر و پسر... آن قدر جنایات که به زن کردند، به مردان نکردند.^۱

هشت سال جنگ تحمیلی نیز اراده مردم ما در دفاع از اسلام مصمم تر کرد. علما و شهداء نیز که در راه حفظ آرمان‌های ناب اسلام و انقلاب اسلامی جان خود را نثار کرده‌اند بر رعایت این قانون الهی توسط آحاد جامعه تأکید کرده‌اند. علما، شهدا و متفکران مملکت اسلامی، این مسئله را خوب فهمیده و درک کردند و در مقابل دشمنان و استعمارگران، حجاب را نوعی سپر و سنگر قلمداد کردند. امام خمینی رحمته الله فرمودند: «آمریکا از این حجاب‌ها می‌ترسد و واقعاً هم همین‌طور است.»^۲

توصیه‌های شهدا در حفظ حجاب، نشان از اوج تأثیر حجاب در ضربه زدن به دشمنان اسلام و دفاع از مملکت اسلامی است.^۳

شهید ابراهیم هاشمی: «من با خونم و تو با حجاب، هر دو پاسدار

اسلامیم.»

^۱ صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۳۹.

^۲ - سایت www.kharazi14.blogfa.com

^۳ - سایت www.kharazi14.blogfa.com

حجاب اسلحه دوران مقاومت

دشمنان اسلام به این نتیجه رسیده‌اند که قوی‌ترین و کم‌خرج‌ترین اسلحه برای از پا درآوردن مسلمانان، بیرون آمدن دختران و زنان مسلمان از حجاب و قرار گرفتن آنان در اختیار جوانان و مردان به صورت آزاد، در کوچه، بازار، مکان‌های عمومی و... است. در حقیقت، توطئه‌ای حساب‌شده، کودتایی خزننده و سلاحی بر ضد انقلاب اسلامی و کیان اجتماعی ماست، به طوری که استعمارگران، حجاب را نوک پیکان اهداف شوم خود قرار داده‌اند.

تاریخچه اندلس و شکست مسلمانان و سقوط تمدن اسلامی در اسپانیا، نمونه بارزی از این نوع سلطه‌هاست^۱ «مستر همفر»، جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی، در بخشی از خاطرات خود، آن‌جا که نقاط قوت مسلمانان را برمی‌شمارد، به حجاب اشاره کرده و می‌نویسد:

« از نشانه و ابزار مقاومت و مبارزه با تهاجم فرهنگی حجاب است. استعمارگران از طریق ترویج بی‌بندوباری و بدحجابی، قصد فساد،

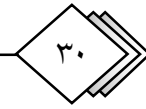
۱ - به غیر از اختلافات داخلی، مهم‌ترین عامل شکست مسلمانان در اندلس، روی آوردن حاکمان و بسیاری از مردم به بی‌تقوایی و انحرافات اخلاقی بیان شده است. مسیحیان شمال، قراردادهایی را با حاکمان مسلمان بستند و طبق آن، آزادانه به ایجاد تفریح‌گاه و مدرسه و انجام تجارت بین مسلمانان پرداختند. با به گردش درآوردن دختران زیباروی مسیحی در تفریح‌گاه‌ها، جوانان مسلمان را به آن‌جا می‌کشاند و با ترویج خرید و فروش مشروبات الکلی، مردم مسلمان را از اعتقادات دینی خود دور می‌ساختند و به این طریق، فساد را در تمام پیکر جامعه اسلامی رسوخ دادند، آن‌را از درون تهی کردند و توان مقاومت را از آنان گرفتند؛ بر این اساس، اختلاف و فساد اخلاقی، مهم‌ترین عامل اضمحلال حاکمیت مسلمانان در اندلس عنوان شده است؛ برای آگاهی بیشتر ر.ک: تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۵، ص ۳۱۱.

انحراف جوانان و تسلط بر جامعهٔ مسلمین را دارند و این کار را در کشورهای گوناگونی انجام داده‌اند، چراکه شیوع فساد در جامعه و شکسته شدن حریم‌ها، موجب کاهش روحیهٔ حماسی، غیرت، تعبد و تعهد در جوانان شده و افزایش سلطهٔ فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای بیگانه را در پی خواهد داشت»^۱.

انچه مهم است این است که بدانیم حجاب یک خط مشی سیاسی است. پس لازم و اجب است دولت مردان نظام جمهوری اسلام به احترام و پاسداشت حرمت خون شهدای حجاب هر بیشتر تلاش خویش را در گسترش حجاب در جامعه افزایش دهند و بر مبارزه با بد حجابی و بی حجابی همت بیشتری بگذارند.

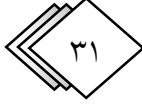
و در پایان این فصل به این جمله دکتر شریعتی بسنده می‌کنم که گفتند: «نسل جوان و باحجاب، به استعمار غربی و فرهنگ اروپایی می‌گوید: سال‌ها کلک زدی، کار کردی، نقشه کشیدی که مرا فرنگی مآب کنی، من با این لباسم به تو می‌گویم: «نه» و به تمام کارهای فاحشه می‌خوانم؛ مرا نمی‌توانی عوض کنی! خانم گاندی با آن «ساری» که سه‌هزار سال، چهارهزار سال پیش که می‌پوشد و با همهٔ رهبران بزرگ دنیا ملاقات دارد، وارد سازمان ملل که می‌شود، پانصد نماینده بلند می‌شوند و نیم ساعت برایش دست می‌زنند؛ هرگز احساس حقارت نمی‌کند... او با آن «ساری» می‌خواهد بگوید که من تمدن غرب، فرهنگ دختر شایسته، زن روز و... را خوانده‌ام. با این لباس به فرانسه، آلمان

^۱ - خاطرات مستر همفر، ص ۴۴-۵۰



غربی، نیویورک، دیوان لاهه و سازمان ملل می‌آیم که بگویم: شما دو قرن
آمدید تلاش کردید، جان‌کندید که ما را مثل خودتان کنید (البته در
فساد، بی‌حیایی و بی‌حجابی)! من به عنوان زن امروز هند، با لباس خود
آمده‌ام تا به شما بگویم همهٔ تلاش‌هایتان بیهوده بوده و من خودم هستم.^۱

ابعاد لزوم حجاب



بخش دوم:

بعد اعتقادی

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

حجاب در قرآن و روایات

۱. آیات

۲. روایات

حجاب

بدیهی است حجاب و عاف یکی از مؤکدترین دستورهای اسلام و از ضروریات دین و برگرفته از قرآن مجید و روایات شریف است. در دنیایی که در تبلیغات رنگارنگ خویش که فرهنگ برهنگی و سقوط اخلاقی و ارزش های انسانی نماد برتری و پیشرفت و توسعه!! را جلوه گر ساخته است، دین مبین اسلام با فرهنگ پوشش و توجه به هویت انسانی، معنویت و جاذبه ی روحی و آرامش را در جامعه نمایان گر ساخته است. زیرا قاموس الهی بر اساس فطرت، هویت، توانایی و جاذبه های فیزیکی زن و مرد نازل شده است، که اگر جوامع انسانی اگر تنها به فطرت و دستورات الهی عمل کنند به جایگاه و هویت اصلی خود دست پیدا می کنند و جامعه با امنیت و مصونیت می تواند کمال معنوی خویش را طی کند.

درقرآن

قرآن مجید در آیات متعدد بر مسئله حجاب و عفاف تأکید کرده و با عبارات مختلف، اهمّیت این وظیفه اسلامی را بازگو کرده است. که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم؛

۱. منع نگاه به نامحرم

مهمترین بعد از ابعاد حجاب محکم شدن اعتقادات ماست و یکی از راحت ترین و مهم ترین راه ها برای حفظ دل، حفظ نگاه از نامحرم است؛ به قول شاعر:

از دست دیده و دل هردو فریاد که هرچه دیده بیند دل کند یاد / بسازم
خنجری نیشش ز فولاد زخم بر دیده تا دل گردد آزاد

الف) منع نگاه مردان

« قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ »^۱ به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است!

شهید مطهری با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته «استقلالی» و «آلی» تقسیم می‌کند در نگاه استقلالی یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و درانداز کردن آن برای ارزیابی می‌باشد و این نگاه مطابق آیات و روایات ترک شود تا اعتقاد و قلب انسان پاک بماند.^۲

حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) نیز می‌فرمایند: «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پر کند، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش جهنم پر می‌کند، مگر اینکه توبه کند و از عمل خود دست بردارد»^۳

در تفسیر عاملی آمده است که: «دستور بپوشیدن بدن زنان است و خودداری زنان و مردان از نظربازی و چشم-چرانی، و هم دوری کردن

۱ - نور؛ ۳۰

۲ - مطهری مسأله حجاب، صص ۱۲۴-۱۲۳

۳ - همان، ص ۳۲۳

زنان از خودنمائی زیبایی و آرایش در جلو مردان، این است خلاصه‌ی دستوره‌های این دو آیه ولی آنچه امروز مرسوم است مناسب با مفاد این آیه‌ها نیست، چون یک دسته کوشش در نمایش زیبایی و آرایش خود دارند بنام تمدن و پیروی از مردم غیر مسلمان متمدن جهان و دیگری کوشش در خود- نمائی بپاکی و دینداری و پوشاندن از نامحرم می‌کنند باین اندازه که صورت خود با نقاب و روبنده میپوشند بجوری که جلو پای خود نمیتوانند به بینند و بشکلی عجیب و ترس‌آور در کوچه و خیابان به تکاپو میباشند و این کار خود را یک وظیفه‌ی دینی میپندارند با اینکه هر دو دسته افراط در رذیلت و فضیلت میکنند و اگر از سوی دین مسلمانی بخواهیم بسنجیم وظیفه‌ی مرد و زن همین خلاصه‌ی آیات است که نوشتیم و با دقت بیشتر می‌بینیم همین حدودی که در دین معین شده است برابر است با آنچه رسم و روش زنهای روستائیهای ما هست یعنی آنها که با تمدن بمعنی خوش- گذرانی و انواع وسائل خوشی و تفریح سر و کار ندارند و نیز با آنچه از روش پیغمبر و زن و مرد مسلمان آن دوره نقل شده است تفاوت زیاد ندارد، پس با توجه باین آیات و آداب و سنن میتوان گفت: اگر زن مسلمان فقط با دست و صورت باز و سر و گردن، پوشیده و لباس ساده که نمایش زیبایی و ناهمواری‌های بدن نداشته باشد می- تواند بکارهای زندگی خارج از داخله‌ی خانه پردازد البته تا آنجا که با ساختمان بدنی و فکری او سازگار باشد و

مقیاس این سازگاری خوب بدست می‌آید وقتی خصوصیات بدنی و فکری هر دو را بسنجیم زیرا در نهاد مرد خاصیت انجام است و در زن خاصیت پذیرش و باصطلاح فلسفه مرد دارای کیفیت فعل است و زن دارای کیفیت انفعال یعنی آنچه از کارهای زندگی وابسته بزور پاره‌های تن و کوشش همیشگی و حلم و بردباری و اندیشه‌ی عمیق و ژرف‌بینی است خاصیت مرد است و آنچه پدیده‌ی دقت و پایداری و شکبائی و جمال پسندی و ظرافت و تیزبینی است خاصیت زن است. پس طبیعت خود، کار زندگی مرد و زن را تقسیم کرده است و شاید اندکی از بعضی این خواص در یکی دو دسته از حیوانات اهلی مثل اسب و گاو هم دیده شود و اگر زندگی ساده‌ی مردم بیابانی را واریسی کنیم در مییابیم که از اندازه‌ی این تقسیم بیرون نیست و البته این تقسیم حدّ فاصل معین ندارد و در بعضی خواص و کارهای پدیده‌ی آن هر دو دسته مشترک هستند چه در زندگی شهری و چه در بیابانی بخصوص آنجا که آخرین روش اقتصادی بنام کمونیسم یا سوسیالیسم اجرا میشود، لکن برای کار زن بیرون از خانه ناچار از برابری با مرد است پس او با او است که در دین ناروا است و این در آنجا که از رسم و روش همگانی زیاد شود و موجب جنبشهای جنسی باشد و گر نه سخن و گفتگو و رو برو شدن باندازه حوائج و زندگی روزانه که هیچگونه نمایش بزبائی و دلفریبی نباشد، نه موجب تحریکات منافی عفت است و نه در دین ممنوع است

چنانکه در سوره‌ی سی و سوّم بنام احزاب آیات ۳۳ و ۵۹ دستور نموداری زن بجلو مرد و سخن گفتن با او یادآوری شده است: بطور مرسوم سخن بگوئید که با ناز و کرشمه نباشد تا بیمار دلان بشما بد دل نشوند، و در خانه نیز با سنگینی و آرامش باشید و مانند زنان دوران جاهلیّت خودنمائی بآرایش و زیبائی نکنید و روپوش خود ببدن نزدیک کنید تا مردم هرزه شما را از آنها که منظور- شان هست باز بشناسند و آزارتان نکنند. اینها است که از نظر اهل دین میتوان اظهار کرد لیکن کارهای بیرون از منزل وقتی برای زن جایز است که کار خانه‌داری نیازمندیهای زندگی او را فراهم نکند و تمام وقت او را نگیرد و ناچار از کار در خارج از خانه باشد و گر نه کار اصلی زندگی را تعطیل کردن و زیان بردن و بکار خارج- پرداختن نه با خرد سازگار است و نه با دین، البتّه آنچه کار اختصاصی زن است، مانند فرهنگ و بهداشت زنان وظیفه‌ی انحصاری او است که در بعضی مواقع میتوان گفت واجب کفائی است برای آنها.^۱

^۱ عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ۸ جلد، ذیل آیه ۳۰ نور

ب) منع نگاه زنان و منع آشکار کردن زینت

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا... وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ او به زنان با ایمان بگو چشمهای خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را -جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند... و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!

خطاب این آیه از سوره نور متوجه زنان شده که ضمن ارائه توصیه های مشابه مردان در فرو نهادن چشم و حفظ پاکدامنی خودشان، نسبت به برخی زیور آلات و زینت های زنان برای افراد نامحرم و مهار علایم غیر کلامی در سطح زنان است. برخی از صاحب نظران معتقدند آن چه در این بخش از آیه شریفه از آن نهی شده است، آشکار شدن هرگونه زینت و زیبایی های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می باشد. از سوی دیگر، زینتها می تواند پوشیدن لباسها و زینت های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر، آن زینت ها آشکار شده ناقض حجاب می گردد.^۲

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه پوشش زن سخن به میان آورده است: «خمار» و «جلباب»؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته

۱ - نور؛ ۳۱

۲ - شجاعی، در و صدف، ص ۱۷۷.

شده است: «وَلِيضْرِبَنَّ بِخُمْرٍ هِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ»؛^۱ «خمارهای خود را بر گریبان های خویش بیفکنید.» که این قسمت آیه بیانگر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند در تفسیر «خمار» مفسرین شیعه و سنی معتقدند که «خمار» آن چیزی است که بواسطه آن زن سر خود را می پوشاند به گونه ای که یقه گریبان، سینه ها، موها، گردن، گودی گردن و اطراف بدن را می پوشاند.

شهید مطهری رحمته الله معتقد است: «ترکیب لغوی «ضرب علی» «در لغت عرب این معنا را می سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود. براساس آیه شریفه و تفسیر ابن عباس، این پوشش سرهر چه که هست، اعم از شال، روسری، مقنعه باید مو، سینه، دورگردن و زیرگلوی زن را بپوشاند. «در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس های بلند و گشاد می پوشیدند، برسر یا شانه خود عبا می انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه تر از جلباب روی سرشان می بستند. شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می کنند که زنان عرب معمولاً پیراهن هایی می پوشیدند که گریبان های شان باز بود، دور گردن و سینه را نمی پوشاند و روسری هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می آویختند، قهراً گوش ها و بناگوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان می شد. این آیه دستور می دهد که باید قسمت آویخته ی همان روسری ها از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا

^۱ (سوره نور، آیه ۳۰)

قسمت های یاد شده پوشیده گردد.^۱

معصومین علیهم السلام در ذیل این آیه روایاتی را نقل نموده‌اند، از جمله:

الف- علی بن ابراهیم می‌گوید: «پدرم از محمد بن ابی عمیر، از ابی بصیر، از ابی عبد الله، امام صادق علیه السلام مرا حدیث نمود که آن حضرت فرمود: «هر آیه‌ای در قرآن در ذکر فروج، مربوط به زنا است، به جز این آیه که درباره نظر کردن است؛ پس برای مرد مؤمن حلال نیست که به فرج برادرش نظر کند، و برای زن مؤمنه نیز نظر کردن به فرج خواهرش حلال نیست».^۲

ب- در اصول کافی، علی بن ابراهیم از پدرش، و او با اسنادش از ابو عمرو زبیری، از ابی عبد الله، امام صادق علیه السلام حدیثی طولانی نقل کند که در آن، حضرت فرمود: «خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضای فرزند آدم واجب نمود و آن را بر آن اعضا تقسیم نمود و در آن اعضا پخش کرد ... و بر چشم واجب نمود که بر آنچه خدا حرام کرده، نظر نکنند، و از آنچه از آن نهی فرموده، از آنچه برای او حلال نیست، روی بگردانند، و آن، عمل آن چشم بوده و از ایمان است؛ پس آنان را از نگاه کردن به عوراتشان و از نظر کردن مرد به فرج برادرش نهی فرمود و این که او باید فرجش را از نظر کردن به آن حفظ نماید و نهی فرمود از نظر کردن هر یک از زنان به فرج خواهرشان و این که باید فرجش را از نگاه کردن به آن حفظ نماید، و فرمود: هر چه در قرآن از حفظ فرج آمده، آن درباره

^۱ مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ۱۳۵۳: ۱۳۶ و ۱۳۷

^۲ بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۳۱.

زنا است، به جز این که درباره نظر کردن است»^۱.

ج- محمد بن یعقوب در کافی با اسنادش از جمیل، از فضیل، او گوید، از ابی عبد الله، امام صادق علیه السلام درباره دو ساعد زن سؤال کرد که آیا این دو از زینت است که خدای تعالی فرمود: «و لا یبدین زینتهن إلا لبعولتهن»؟ آن حضرت فرمود: «نعم، و ما دون الخمار من الزینة، و ما دون السوارین»؛ یعنی آری، و در زیر مقنعه و در زیر النگوها و دستبندها (یعنی مواضع زینت)، جزء زینت است.^۲

د- محمد بن یعقوب از محمد بن یحیی با اسنادش از بعض اصحاب ما، از ابی عبد الله، امام صادق علیه السلام نقل کند که به آن حضرت گفتم: برای مرد نامحرم دیدن چه چیز زنی که محرم نیست، حلال است؟ آن بزرگوار فرمود: «الوجه و الکفان و القدمان»: صورت، دو کفت دست و دو قدم.^۳

ه- احمد بن محمد بن عیسی با اسنادش از زراره، و او درباره قول خدای تبارک و تعالی: «إلا ما ظهر منها»، از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت فرمود: «الزینة الظاهرة الکحل و الخاتم»: زینت آشکار سرمه و انگشتر است.^۴

و- حسین بن محمد با اسنادش از ابی بصیر روایت کند که او درباره قول خدای تعالی: «و لا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها»، از امام

۱. عاملی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۸۸، حدیث ۹۱- برهان، ج ۳، ص ۷۳۱.

۲. عاملی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۹۲، حدیث ۱۲۰- برهان، ج ۳، ص ۷۳۱.

۳. همان

۴. همان

صادق علیه السلام سؤال نمود. حضرت فرمود: «الخاتم و المسکة و هی القلب»: انگشتر و «مسکه» که همان النگو است، می باشد.^۱

ز- علی بن ابراهیم و در روایت ابی جارود از ابو جعفر، امام باقر علیه السلام درباره قوله تعالی: «و لا یبدین زینتهن إلا ما ظهر منها»، نقل کند که ایشان فرمود: «امام باقر علیه السلام درباره زینتی که آشکار و پیدا است، فرمود: آن، لباس، جامه، سرمه، انگشتر، خضاب کف دست و النگو (دستبند) است، و زینت سه گونه است: زینت برای مردم، زینت برای افرادی که محرمند و زینت برای شوهر، اما زینتی که برای مردم است، همان است که ذکر کردیم، و اما زینتی که برای افراد محرم است، جای قرار دادن گردنبند و آنچه در بالای آن قرار می گیرد و جای قرار دادن دستبند و آنچه در زیر آن قرار می گیرد و خلخال (پای برنجن) و آنچه پایین تر از آن است، می باشد و اما زینت برای شوهر، جسد و بدن زن است، همه اش».^۲

ح- در جوامع الجامع، پوشاندن زینت آشکار واجب نیست، و آن ثیاب (لباس رویی و پیراهن) است و در مجمع البیان و تفسیر علی بن ابراهیم آمده: «الکفان و الاصابع»؛ یعنی دو کف دست و انگشتان، زینت ظاهر است.^۳

۱. همان

۲. همان

۳. همان، ج ۳، ص ۵۹۲، حدیث ۱۱۸ و ۱۱۷.

ط - در من لا يحضره الفقيه از حفص بن بختري، از ابي عبد الله، امام صادق عليه السلام روايت كند كه حضرت فرمود: «برای زن مسلمان سزاوار نيست در حضور زن يهودی و زن نصرانی خود را بنماياند و آشكار كند؛ زیرا كه آنان او را برای شوهرانشان توصيف می کنند.^۱»

ی - در مجمع البيان آمده: «أو نسائهن»؛ يعنی زنان مؤمنه، و برای آنان حلال نيست كه در حضور زن يهودی یا زن نصرانی یا مجوسی عريان شوند، مگر اين كه كنيز باشد، و اين است معنای «أو ما ملكت أيمانهن»؛ يعنی كنيزان^۲

از جمله مواردی كه به شدت از آن نهی شده است، و بر عقیده دینی ما زنان اثرات سوء دارد اين است كه زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد، به طوری كه بوی عطروى به مشام نا محرم برسد . پیامبر^۳ می فرماید: «هر زنی كه به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می شود.»^۳ آن چه مسلم است، اين است كه عطر زدن برای خانم ها نه تنها اشكالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد، به خصوص كه برای همسر باشد. آن چه كه از آن نهی شده اين است كه زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی كه با نا محرم در تماس است؛ طوری عطر بزند كه بوی آن به نامحرم برسد

۱ . همان، حدیث ۱۲۳.

۲ - همان

۳ - الحرائی، تحف العقول، ص ۴۲.

وایجاد مفسده کند.»^۱

همچنین در سوره احزاب خداوند به زنان پیامبر^۶ علاوه بر تقوا، امر می کند که در خانه های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»^۲ «کلمه «قَرْنَ» امر از ماده ی قرء است که به معنای پا برجا شدن است و ممکن است از ماده ی قازیقار به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه ها باشد.»^۳ مقصود از این دستور زندانی زنان پیغمبر^۶ و هیچ زن دیگری در خانه نیست؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا^۶ زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود. بلکه مقصود از این دستور، آن است که زن به منظور خود نمایی از خانه بیرون نشود. آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خود نمایی و پرسه زدن در خیابان ها ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند

۴

۲. آیه جلیاب (چادر/پوشش فراگیر)

این بُعد از حجاب محسوس ترین و ملموس ترین بُعد می باشد. در

۱- شجاعی، درو صدف، ص ۱۷۸.

۲- احزاب: ۳۳.

۳- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۰۹.

۴- هدایت خواه، زیور عفاف، ص ۱۸۶.

آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خمار» و «جلباب» تأکید ویژه شده است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْتَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾؛ ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها (روسری های بلند) خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است؛ (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

مفهوم جلباب: همان ملحفه یا چادری است که زن با آن تمام بدن از جمله سر و صورتش را می پوشاند .

نظر مفسرین درباره جلباب: همان چادر، لنگ، ازار یا عبا است که از خمار یا مقنعه بزرگتر و از رداء یا عبا کوتاهتر است. زنان مدینه بعد از نزول آیات حجاب آن چنان خود را می پوشاندند که طبق تفاسیر فقط یک چشم آنان پیدا بود. پیامبر ﷺ نیز امر می فرمودند که خود را شبیه کنیزکان نکنید بلکه هنگام خروج از خانه، موها و صورت خود را بپوشانید تا از آزار فاسقان در امان باشید. برخی از فقها نیز نظرشان بر همین تفسیر استوار است. سبب نزول آیه این بود که زنان برای گزاردن نماز مغرب پشت سر رسول خدا ﷺ از منزل خارج می شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز مغرب و عشاء و نماز صبح به سوی مسجد می

رفتند، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و به آزار و اذیت زنان نمازگزار می پرداختند، در این هنگام این آیه شریفه نازل شد و به آنها دستور داده شد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه‌ی مزاحمت پیدا نکند.

۳. نحوه گفتگو با نامحرم

سخن گفتن زنان مومن با مردان، یکی از وادی‌های ورود شیطان به قلب است. به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم، آنان را به حصار این تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند چرا که نوع سخن گفتن زن بی حجابی و بد حجابی فیزیکی انحصارکننده تر است و به همین دلیل، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است.

﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید».

علامه طباطبایی می نویسد: «معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل دچار ریه و خیال‌های شیطانی، و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع نیفتد

و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیروی که آدمی را از میل به سوی شهوت حرام باز می‌دارد.^۱

بعد از آنکه علو مقام، و رفعت منزلت همسران رسول خدا را به خاطر انتسابشان به آن جناب بیان نموده، این علو مقامشان را مشروط به تقوی نموده، و فرموده که فضیلت آنان به خاطر اتصالشان به رسول خدا نیست، بلکه به خاطر تقوی است، اینک در این جمله ایشان را از خضوع در کلام نهی می‌کند، و خضوع در کلام به معنای این است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند، تا دل او را دچار ریه، و خیالهای شیطانی نموده، شهوتش را برانگیزانند، و در نتیجه آن مردی که در دل بیمار است به طمع بیفتد، و منظور از بیماری دل، نداشتن نیروی ایمان است، آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات باز می‌دارد.^۲

از جمله لوازم ضروری ارتباط، صحبت کردن است. اسلام صحبت کردن لازم و ضروری زن و مرد نامحرم را در امورات و کارهای روزمره زندگی مانند: خرید و فروش، تعلیم و تعلم، پرس و جو، آن هم با رعایت کامل حدود شرعی حرام نمی‌داند.

رسول خدا سخن گفتن با زنان نامحرم را ممنوع کردند، مگر اینکه ناچار باشند، که در این هنگام بیش از پنج کلمه سخن گفتن را با نامحرم روا ندانستند.^۳

۱ - طباطبایی، حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۳۰۴

۲ - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۱۱

۳ - نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ غَيْرِ رَوْجِهَا وَغَيْرِ ذِي مَخْرَمٍ مِنْهَا

در روایت دیگر می‌خوانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله از گفتگو و اختلاط با زنان نامحرم نهی کرده، فرمودند: «فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا»^۱ هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی‌کند، مگر اینکه شیطان سومین آنهاست [تا آنها را آن گونه که می‌تواند وسوسه کند و به فساد برانگیزد].»

امیر المؤمنین علیه السلام پیوسته از گفتگو و اختلاط با زنان نامحرم نهی می‌کرد چنان که در روایتی فرموده اند: «عِبَادَ اللَّهِ اغْلَمُوا... مُحَادَثَةُ النِّسَاءِ تَدْعُوا إِلَى الْبَلَاءِ وَ يَزِيغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ يَخْطَفُ نُورَ أَبْصَارِ الْقُلُوبِ وَ لَمَحُّ الْعَيْونِ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ» آئی بندگان خدا! بدانید که... گفتگو با زنان [نامحرم] سبب نزول بلا خواهد شد و دلها را منحرف می‌سازد. و پیوسته به زنان چشم دوختن نور دیده دلها را خاموش می‌گرداند و همچنین با گوشه چشم [به زنان] نگاه کردن از حيله‌ها و دامهای شیطان است.»

۴. همچنین فرموده اند: «مَنْ فَآكَةَ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا [حَبَسَهُ اللَّهُ] بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ» هر کس با زن نامحرمی شوخی کند، برای هر کلمه که با او در دنیا گفته است، خداوند او را هزار سال زندانی می‌کند.»

أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳، ح (۴۹۶۸)

- ۱ - نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۲۱۴، ح ۷۸۸
- ۲ - نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۳، باب ۸۳، ح ۲.
- ۳ - حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، صص ۱۴۹ و ۱۵۰.
- ۴ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۸، باب ۱۰۶، ح ۲۵۴۱۸.

۴- منع اختلاط با نامحرم

﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾؛^۱ و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند؛ و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند؛ موسی) به آن دو گفت: «کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟!))» گفتند: «ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)!»

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در سوره احزاب، می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۚ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»^۲ «هنگامی که از همسران پیامبر^ص چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است.» در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می‌کند: «هنگامی که رسول خدا^ص با زینب ازدواج کرد، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد. انس که خادم مخصوص پیامبر^ص بود می‌گوید: پیامبر^ص به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم، من همه را دعوت کردم، دسته دسته می‌آمدند و غذا می‌خوردند و از اتاق خارج می‌شدند، تا این که عرض

۱- قصص؛ ۲۳

۲- احزاب : ۵۳.

کردم: ای پیامبر خدا؛ کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم، فرمود: اکنون که چنین است سفره را جمع کنید، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر^۶ ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند. آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد.^۱

از بعضی قرائن استفاده می شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر^۶ می آمدند، برای حفظ حیثیت همسران پیامبر^۶ آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند.» علامه طباطبایی^۲ در ذیل آیه شریفه می نویسد: «درخواست متاع از همسران حضرت، کنایه از این است که مردم با آنها درباره ی حوایجی که دارند، سؤال کنند؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل های تان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه، این روش دل های تان را پاک تر نگه می دارد. با نگاهی به روایات می توان به حساسیت و دقت ائمه معصومین^{علیهم السلام} در ارتباط زن و مرد نامحرم به خوبی پی برد که برای نمونه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. رسول خدا^ص: بین مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید (تا با هم

۱ - مکارم شیرازی، نمونه، ج ۳، ص ۶۰۷

۲ - بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۲۵

برخورد و تماس نداشته باشند) زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.^۱

۲. امام علی علیه السلام: «اختلاط و گفتگوی مردان با زنان نامحرم سبب نزول بلا و بدبختی خواهد شد، و دل ها را منحرف می سازد».^۲

۳. پیامبر ص: «شیطان به حضرت موسی علیه السلام گفت: ای موسی! با زنی که به تو محرم و یا حلال نیست خلوت مکن (تنها مباش)، به خاطر آنکه هیچ مردی با زن نامحرمی خلوت نمی کند، مگر اینکه من همراه آن دو هستم. (و خودم شخصا آن دو را برای گناه و رابطه نامشروع تحریک و وسوسه می کنم».^۳

۴. پیامبر ص: «کسی که با زن نامحرمی دست بدهد، در روز قیامت در حالی می آید که دست هایش به گردنش بسته شده است. آنگاه دستور می رسد او را به جهنم ببرید. (در صورتی که توبه نکرده باشد)».^۴

پیامبر ص و حضرت علی علیه السلام به زنان آغاز به سلام می کردند. در صحیحه ربعی از امام صادق علیه السلام آمده است: «روش پیامبر اکرم ص این بوده است که به زن ها سلام می کردند و آنها جواب وی را می دادند و روش امیرالمؤمنین علیه السلام نیز همین گونه بوده است؛ ولی حضرت امیر علیه السلام از اینکه به زن های جوان سلام کنند، اکراه داشتند و می فرمودند: بیم این دارم که

۱ - زی شهری، میزان الحکمه، ج ۱۳، ص ۱۲، ح ۶

۲ - همان

۳ - مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۳۷، ح ۲۱۰.

۴ - همان، ج ۳۰، ص ۲۰۵، ح ۱۷.

صدای او برایم زیبا و خوشایند جلوه کند و اثر منفی آن بیش از اجر و ثوابی باشد که با سلام کردن به دنبال آن هستم.»^۱ بنابراین، می توان نتیجه گرفت که براساس روایات فوق الذکر ارتباط زنان و مردان نامحرم دارای اصول و قواعدی است که عبور از آنها عبور از خط قرمز اسلام و دارای تبعات منفی و خسارت بار است.

۵. آیه حیاء

یکی از تاثیرات حجاب در اعتقادات انسان حجاب در رفتار است. مرحوم شهید مطهری رحمته الله در کتاب حجاب می نویسد رفتارها زبان دارند. مثلاً وقتی شخصی به دیدن شما می آید به او می گوید دیشب نخوابیدی؟ در جواب شما می گوید مگه من حرفی در این مورد زدم؟ و شما هم می گوید قیافهات داد می زند و از چشم های بادکرده خستگی معلوم است. که دیشب نخوابیدی. شهید مطهری رحمته الله می گوید برخی از خانم ها رفتارشان داد می زند که ای نامحرم جذب من شو و به سوی من بیا. این رفتار بعضی از خانم ها است که نماد ارتباط با نامحرم است، اما در مقابل، برخی دیگر با رفتارشان به افراد جامعه می فهمانند که حق نداری به من نزدیک شوی و ارتباط سوء برقرار کن.^۲

﴿فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ

^۱-کان رسول الله (ص) یسلم علی النساء و یرددن علیه و کان امیرالمؤمنین (ع) یسلم علی النساء و کان یکره ان یسلم علی الشابة و یقول اتخوف ان یعجبنی صوتها، فیدخل علی اکثر مماطلبت من الاجر.» (رک: وسایل الشیعه، حر عاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱۴، باب ۱۳۱، ح ۳.

نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ ناگهان یکی از آن دو (زن) به سراغ او آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت، گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن (به گوسفندان) را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد.» هنگامی که موسی نزد او آمد و سرگذشت خود را شرح داد، گفت: «ترس، از قوم ظالم نجات یافتی».

خداوند متعال در آیه ی شریفه **سوره مبارکه لقمان** از نحوه ی خاصی از راه رفتن نهی نموده است؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت های پنهانی زن آگاه می کند. شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می گوید: «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند. از این دستور می توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می گردد ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد.»^۲

در روایات از حیا به عنوان نشانه ایمان و نصف دین نامبرده شده است که نمونه این روایات ذیل از آن جمله اند:

۱: امام علی علیه السلام: « **الْحَيَاءُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ**؛ حیا کلید همه خوبی هاست.»^۳

۲: رسول اکرم صلی الله علیه و آله: « **الْحَيَاءُ زِينَةُ الْإِسْلَامِ**؛ حیا زینت اسلام است.»^۴

۱. قصص؛ ۲۵

۲ - مطهری، مسأله حجاب، ص ۱۴۵

۳- جمال خوانساری شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم ج ۱، ص ۹۳، ح ۳۴۰

۴ - نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۱۲۴۴

۳: رسول اکرم ۶: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ؛ خداوند انسان با حیایِ بردبارِ پاک دامنِ را که پاکدامنی می ورزد، دوست دارد».

۴: امام کاظم علیه السلام: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ وَالْبَدَأُ مِنَ الْجَفَاءِ وَالْجَفَاءُ فِي النَّارِ؛ حیا از ایمان و ایمان در بهشت است و بد زبانی از بی مهری و بد رفتاری است و بد رفتاری در جهنم است.»^۲

۵: امام صادق علیه السلام: «الْحَيَاءُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تَسَعَةٌ فِي النِّسَاءِ وَوَاحِدَةٌ فِي الرِّجَالِ؛ حیا ده جز دارد، نه جزء آن در زنان است و یک جزء در مردان»^۳

۶- آیه عفاف

﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^۴؛ و زنان از کارافتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباسهای (رویین) خود را بر زمین بگذارند، بشرط اینکه در برابر مردم خودآرایی نکنند؛ و اگر خود را بپوشانند برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.

در کتاب جوامع الجامع در حقیقت تبرج آمده است که: «حقیقت

۱ - کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۱۲، ح ۸

۲ - حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول ص ۳۹۴ - بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۳۰۹

۳ - صدوق، من لایحضر الفقیه ج ۳، ص ۴۶۸، ح ۴۶۳۰

۴ - نور؛ ۶۰

تبرج آن است که آدمی به اظهار آنچه پوشیدنش واجب است، تعمد و اصرار داشته باشد، در این مورد بخصوص آن است که زن، با نمایاندن زینتها و آشکار ساختن زیباییهای خود، خویشتن را در معرض دید مردان نامحرم قرار دهد. اما عفت ورزیدن، به این که لباسهای رویین خود را بپوشند، برای آنان بهتر است، اگر چه ممنوعیت و حرمت شرعی از آنها در این سن برداشته شده است.^۱

^۱ - طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، ج ۴ ض ۳۳۴

۷- آیات منع دوست پسر و دختر

الف) منع دوست پسر

﴿وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فِتْيَانِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱؛ و آنها که توانایی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند - خدا به ایمان شما آگاه‌تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید - آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند. و در صورتی که «محصنه» باشند و مرتکب عمل منافی عفت شوند، نصف مجازات زنان آزاد را خواهند داشت. این (اجازه ازدواج با کنیزان) برای کسانی از شماست که بترسند (از نظر غریزه جنسی) به زحمت بیفتند؛ و (با این حال نیز) خودداری (از ازدواج با آنان) برای شما بهتر است. و خداوند، آمرزنده و مهربان است.

نکاح خدن (زناشویی غیر رسمی و پنهانی)؛ اساس این نکاح بر

عقیده‌ای جاهلی بود که برخلاف ارتباط آشکار، ارتباط دوستانه پنهانی را با زن، نیکو می‌شمرد. اقرآن در دو مورد به این‌گونه نکاح اشاره کرده است: در سوره مائده آیه ۵ و در اینجا که شرایط ازدواج با کنیزان را بیان می‌کند و در هر دو مورد این‌گونه دوستی پنهانی را مذمت می‌فرماید.

آیه مذکور در حقیقت تأکید دارد که خداوند می‌خواهد با رعایت مقررات و قوانین از طرف انسان‌ها، جهت مثبتی به هدایت انسان‌ها بدهد و آن‌ها را آگاه کند که به غرائز و خواسته‌های خود به صورت مشروع و قانونی پاسخ دهند، زیرا بی‌بند و باری و در قید و بند مقررات نبودن باعث هرج و مرج، فساد، گناه و نابودی می‌شود. خداوند متعال بهتر از هر کسی به مصلحت و منفعت انسان‌ها آگاه است، و سنت‌ها و قوانینی که قرار داده باعث نجات و سعادت بشر است

خداوند متعال تأکید می‌کند که خداوند به وسیله سنن و وضع احکام می‌خواهد، نعمت‌ها و برکاتی که بر اثر آلودگی به شهوات از انسان‌ها قطع شده، به آن‌ها برگرداند؛ ولی شهوت پرستانی که در امواج گناهان غرق هستند، می‌خواهند انسان‌ها را از راه سعادت منحرف سازند و همانند خود آلوده و فاسد کنند. آزادی‌های بی‌قید و بند و توأم با آلودگی، نکبت، انحطاط و... سرابی بیش نیست، و نتیجه آن انحراف بزرگ از مسیر خوشبختی و تکامل انسانی و گرفتار شدن در بیراهه‌ها و پرتگاه‌ها و تنزل به مقام حیوانیت است و بنیان خانواده‌ها را تحریف و

۱. فتح‌الباری، ج ۹، ص ۱۵۰؛ فقه السنه، ج ۲، ص ۸؛ نیل الاوطار، ج ۶، ص ۳۰۰

سرچشمه جنایات ، ناهنجاری ها ، انواع بیماری های جنسی و آمیزشی و ناراحتی های روانی و ... می باشد.

داشتن روابطی مثل نامه نگاری، تماس های تلفنی و مخفیانه و... عواقب روانی و اجتماعی بسیار خطرناکی در پی دارد که متأسفانه بیشترین آسیب، نصیب دختران می شود. روابط نامشروع دختر و پسر و عواقب آن از دیدگاه پیامبر^ص: هر کس با زنی نامحرم شوخی کند برای هر کلمه که با او گفته است، هزار سال در آتش دوزخ او را زندانی می کنند. با هیچ زبانی نمیشود به برخی گفت که کارشان درست نیست چون توجهات زیادی برای این رابطه تراشیده شده و کلا به گونه ای آن را پذیرفته و منطقی میدانند و نبودش را غیر ممکن میدانند خوب در این مقاله چند سخن گهربار از پیامبر اکرم^ص می آوریم باشد که از پیامبر حرف شنوی داشته باشیم و کمی در کار خود تأمل کنیم .

باید این نکته را افزود که این دوستی های نامشروع سبب حرص و ولع و از بین رفتن حجب و حیاء در بقیه جوانان می گردد. وقتی جوانی دید جوانان دیگر به راحتی با دختر یا دخترانی دوست می شوند، و یا دختری دید دختران مثل او، با پسران ارتباط برقرار می کنند، پیش خود فکر می کند، گویا برای این کارها مانعی پیش پای او نیست.

اکنون به روایاتی از رسول گرامی اسلام^ص در این مورد توجه فرمایید:

۱: حضرت رسول الله^ص درباره ارتباط زن و مرد نامحرم فرمود: «**با عدوا**

بين انفاس الرجال و النساء فانه اذا كانت المعاينة واللقاء كان الداء الذى لا دواء له؛ بين مردان و زنان نامحرم جدایی ایجاد کنید [تا با هم برخورد و تماس نداشته باشند]؛ زیرا هنگامی که آنان رو در روی یکدیگر قرار گرفتند و با هم رفت و آمد داشتند، جامعه به دردی مبتلا خواهد شد که درمان نخواهد داشت.^۱

۲: حضرت ۶ فرمودند: « اياك و الخلوۃ بالنساء و الذى نفسى بيده ما خلا رجل بامرأة الا دخل الشيطان بينهما و لان بزحم رجل خنزيراً منلطحاً بطين و حماة خبر له من ان يزحم منكئه امرأة لا نجل له؛ از خلوت کردن با زنان پرهیزید، قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست مردی با زنی خلوت نمی کند. مگر اینکه شیطان (برای وسوسه و به گناه انداختن آن دو) وارد می شود. اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن باشد و به انسان برخورد کند بهتر است از آنکه شانه زن بیگانه ای با مرد نامحرم برخورد کند. »^۲

۳: حضرت ۶ فرمود: « لان يطعن فى راس احدكم بمخفظ من يديه خير له من ان يمس امرأة لا تحل له ؛ اگر سوزنی با شدت و ضربه بر سر یکی از شما فرود آید، بهتر از آن است که زنی را که نامحرم است لمس کند »^۳

۱ - نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴ ص ۵ - ۲۶۴.

۲ - همان

۳ - کتیرایی، محمود، مرات النساء ص ۱۱۷.

۴: درباره شوخی با زن نامحرم فرمود: «من فاکه امرأه لا یملکها حبس به کل کلمه کلمها فی الدنیا الف عام فی النار، و المرأه اذ طاوعت الرجل فالنزمها او قبلها او باشرها خراما او فاکهها واصاب منها فاحشه فعلیها من الوزر ما علی الرجل فان غلبها علی نفسها کان علی الرجل وزره ووزرها؛ هر کس با زنی نامحرم شوخی کند برای هر کلمه که با او گفته است، هزار سال در آتش دوزخ او را زندانی می کنند.»^۱

۵: در مورد دست دادن با زن نامحرم فرمودند: «من صافح امرأه حراماً جاء یوم القیامه مغلولاً ثم یومر به الی النار؛ هر کس با زن نامحرمی دست دهد، روز قیامت با دست زنجیر شده به گردن محشور شود، سپس امر می شود تا او را به آتش ببرند.»^۲

ب) منع دوست دختر

﴿الْیَوْمَ أَحِلَّ لَكُمْ الطَّیِّبَاتُ وَطَعَامُ الذِّیْنَ أُوتُوا الْکِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الذِّیْنَ أُوتُوا الْکِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَیْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِیْمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِینَ﴾^۳؛ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین)

۱ - صدوق، محمد بن بابویه، عقاب الاعمال: ص ۶۵۲.

۲ - همان

۳ - مائده؛ ۵

طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و (نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد؛ و در سرای دیگر، از زیانکاران خواهد بود.

۱۰- آیات لباس

﴿فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ﴾؛ سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد، تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر بخاطر اینکه (اگر از آن بخورید)، فرشته خواهید شد، یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند».

﴿فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾؛^۱ و به این ترتیب، آنها را با فریب (از مقامشان) فرود آورد. و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [= عورتشان] بر آنها آشکار شد؛ و شروع کردند به قرار دادن برگهای (درختان) بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند. و پروردگارشان آنها را نداد داد که: «آیا شما را از آن درخت نهی نکردم؟! و نگفتم که شیطان برای

۱ - اعراف؛ ۲۰

۲ - اعراف؛ ۲۲

شما دشمن آشکاری است؟

﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾؛ ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر (نعمتهای او) شوند.

﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبند، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، و لباسشان را از تنشان بیرون ساخت تا عورتشان را به آنها نشان دهد! چه اینکه او و همکارانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید؛ (اما بدانید) ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «بهترین لباس‌ها برای مؤمن از لحاظ زینت جامه‌ی پرهیزگاری است، و نیکوترین لباس از جهت خوشی و راحتی لباس ایمان است. خداوند متعال فرمود: «وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ»^۳.

۱ - اعراف؛ ۲۶

۲ - اعراف؛ ۲۷

۳ - منسوب به امام صادق ع، مصباح الشریعه، ص ۳۰ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۲۴ و تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۵، ص ۷۴

۱۱- آیات اذن ورود

اولین محیطی که به طور غالب انسان در آن ساخته می شود، محیط خانوادگی و رابطه تنگاتنگ پدر و مادر با فرزند است؛ این مقطع زمانی سریع در طفل اثر می کند؛ هم در بُعد دیداری، هم در بُعد شنیداری و هم در بُعد رفتاری و عمیق هم اثر می کند. در باب تربیت، آنچه نقش اساسی دارد عبارت از عنصر حیاء است و در مقابل آن وقاحت است.

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح، و نیمروز هنگامی که لباسهای (معمولی) خود را بیرون می‌آورید، و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست؛ اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند، و خداوند دانا و حکیم است!

﴿ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱؛ و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند؛ اینچنین خداوند آیاتش را برای شما بیان می‌کند، و خدا دانا و حکیم است!

علت اجازه خواستن، دریده نشدن حیای فرزندان است. چرا؟ اینها همه برای این بوده است که وقتی تو نیمه عریانی و او با این حال وارد شود پرده حیای او دریده می‌شود. پس مراقب اعمال خود باید بود چراکه در مرائی و منظر این کودکان هستیم که بسیار تاثیر پذیرند.

بخش سوم:

بعد خود سازی

در این بخش عناوین زیر را می خوانیم:

❖ مفهوم حجاب چیست؟

❖ مفهوم عفاف چیست؟

❖ ضرورت حجاب چیست

حجاب خود سازی ۱

۱. اطاعت الهی

زنان می توانند با رعایت حجاب از امر الهی اطاعت کنند و عبودیت خویش را با آن به نمایش بگذارند. میل به خودنمایی و جلوه گری در سرشت زن نهفته است اگر این گرایش حد و مرزی معین نداشته باشد قطعاً فسادآفرین خواهد بود. پوشش را می توان مهمترین عامل تعدیل این میل دانست. جواز کشف حجاب در مقابل محارم از جمله شوهر، این گزینه را جهت می دهد که خودنمایی زن مختص به شوهر باشد. با وجود این میل قوی در زنان حفظ حجاب و رعایت پوشش در مقابل نامحرم بزرگترین قدم در راه مبارزه با نفس است.

۲. خودسازی معنوی

یکی از فواید حجاب و پوشش بانوان خودسازی روحی و معنوی است زنی که می خواهد انسان هایی جامعه ساز تحویل جامعه دهد، باید ابتدا خود از معنویت و اخلاق بهره مند شود. زیرا آن گاه که اعتقادات و ایمان در بانوان سست باشد تمایل به خودنمایی در آنها قوت می یابد. زنان با حجاب نه تنها مایه امنیت اخلاقی جامعه اند، بلکه به امنیت جامعه از بلاها نیز کمک می کنند. در تفسیر القرطبی آمده: «هر شهری که چهار چیز در آن باشد اهالی آن از بلاء در امان هستند؛ که یکی از آنها زنان با

۱ - پایگاه فرهنگی تحلیلی با حجاب، سخنرانی مکتوب حجت الاسلام دکتر رفیعی در تاریخ

حجاب که مانند جاهلیت پیشین خودنمایی نمی‌کنند.^۱ در روایات هم به اهمیت حجاب و عفاف برای داشتن معنویت اشاره شده است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر بی‌حجابی و بی‌بند و باری زنان نبود (آنقدر ایمان و اخلاق مردم خوب می‌شد که هیچکس از خدا نافرمانی نمی‌کرد و) خدا حقیقتاً مورد پرستش قرار می‌گرفت»^۲

معمولاً هر چیز با ارزش، حریم و حجاب دارد. زن باحجاب، همانند مرواریدی در صدف است، اما متأسفانه بانوان خودنما، از این نعمت بزرگ بی‌بهره‌اند! از آنجایی که در نهان حفظ حجاب، عاقبت‌اندیشی، تعقل، رعایت حقوق دیگران و یک نوع احترام و حریت نهفته است، حجاب نوعی شخصیت مطلوب را برای فرد، در پی خواهد داشت، اما فرد بی‌حجاب، ناخودآگاه خود را همچون متاعی مادی تلقی کرده و بخشی از شخصیت خود را در داشتن ظاهری متنوع، جذاب و زننده جست‌وجو می‌کند و از ارزش، مقام و منزلت واقعی خود غافل می‌شود!

در فرهنگ قرآن، مرد و زن برابرند و افراد نباید بر اساس جنس، زیبایی، ثروت یا امتیاز، مورد قضاوت قرار گیرند؛ تنها چیزی که باعث برتری است، تقوا و شخصیت اوست،^۳ و یکی از موارد تقوا، حجاب زن است.^۴ در فرهنگ جاهلیت پیش از اسلام، مردها بر زن مالک می‌شدند و

^۱ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵.

^۳ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ بزرگوار و بافتخارترین شما نزد خدا، باتقواترین شماست؛ حجرات، آیه ۱۳.

^۴ احزاب، آیه ۳۲.

در فرهنگ مدرن، زن را همانند کالا مصرف می‌کنند و پس از آن و با تمام شدن دوره مصرف، دور می‌اندازند! اما در اسلام، زن مظهر آفرینش و مربی انسان است؛ لذا برای این که این مظهر، پاک بماند و مورد سوء استفاده قرار نگیرد، حجاب را برای حفظ ارزش‌های زن، تبیین کرده است.

۲. حرمت بخشیدن به زن

درجه ارزیابی یک فرد از خود را حرمت می‌نامند یعنی تا چه حد مورد قبول دیگران واقع می‌شود. قضاوت‌هایی که اشخاص در مورد او دارند باعث می‌شود که شخص خود را موفق و با ارزش یا ناموفق و بی ارزش بدانند. برخی اشخاص برای اینکه احساس ارزشمند شدن داشته باشند برهنه شده و با ظاهر نامناسب در اجتماع ظاهر می‌شوند. خودنمایی و حس مقبول واقع شدن و ارزشمند بودن ارتباط مستقیم با حس حقارت و عقده‌های درونی شخص دارد و گاه افراد در تشخیص ملاک ارزشیابی به خطا می‌روند. حجاب نوعی احترام گذاشتن به زن و محفوظ نگه داشتن او از نگاه‌های شهوانی و حیوانی است.

تحکیم خانواده

قرآن کریم زن و شوهر را مانند لباس، مایه وقار و آراستگی یکدیگر می‌داند اما چنانچه زن و شوهر از تعهدات خانوادگی رها باشند، نمی‌توانند برای یکدیگر چون لباس به شمار آیند. هدایت، کنترل و بهره‌مندی صحیح از امیال و غرایز انسانی مبارزه با تهاجم فرهنگی غرب از بین بردن فشارهای اجتماعی نامشروع و نابهنجار محبوب‌ترین بنیاد نزد خداوند خانواده است. خانواده مهمترین جایگاه پرورش انسان است. سلامت خانواده نقش موثری در سلامت جامعه دارد. خانواده کانون عشق، محبت و تحقق آرزوهای آدمی است اگر بهره‌گیری‌های زن و مرد محدود به محیط خانواده باشد: طهارت نسل حفظ می‌شود. صمیمی‌ترین عواطف و اتحاد کامل در خانواده شکل می‌گیرد. حفظ خانواده و همسر بر خواسته‌های فردی مقدم می‌شود.

برای اینکه خانواده‌ای از استحکام خوبی برخوردار شود، به تکنیک‌های زندگی نیاز دارد و افراد باید آن‌ها را یاد بگیرند تا بتوانند خانواده گرم، صمیمی و کارآمدی داشته باشند. منظور از تحکیم خانواده بر اساس حجاب این است که تنوع‌طلبی، انسان را به ناکجاآباد می‌کشاند؛ به‌خصوص زمانی که خودنمایی‌های زنان بیشتر شود. وقتی زن در اجتماع با حجاب کامل ظاهر شود، یعنی با خودنمایی، خودش را به دیگران عرضه نکند، موجب تحریک احساس جنسی و تنوع‌طلبی دیگران نمی‌شود؛ در نتیجه، نه کسی دنبال اوست تا موجب سوءظن شوهر وی گردد و نه مردان تحریک می‌شوند به دنبال دیگر زنان بروند، که به فساد

و بزه‌کاری منجر شود. شهید مطهری رحمته‌الله دربارهٔ رابطهٔ بین حجاب و تحکیم خانواده می‌نویسد: یکی از آثار زیانبار بی‌حجابی بانوان، تزلزل خانواده‌هاست، زیرا آنان با گسترش و رواج مسائل جنسی از خانواده به جامعه، مرتکب ظلمی فاحش و غیرقابل جبران اجتماعی می‌گردند و روابط زناشویی در خانواده‌ها را متزلزل می‌کنند؛ در نتیجه، امنیت خانوادگی با خطرات جدی، از قبیل: ازهم‌پاشیدگی بنیان خانواده و عقده‌مند شدن مردان، روبه‌رو می‌شود و این مشکلات زیانبار، به محیط جامعه کشیده شده و امنیت اجتماعی را در نظام اسلامی با آشفتگی جدی مواجه می‌سازد.^۱

آیت‌الله مکارم شیرازی رحمته‌الله نیز در تفسیر خود، تأثیر بی‌حجابی بر ازهم‌پاشیدن خانواده را این‌طور بیان می‌کند:

آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد، با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به‌طور مداوم بالا رفته است، چراکه «هر چه دیده بیند دل کند یاد» و هر چه «دل» — در این‌جا یعنی هوس‌های سرکش — بخواهد، به هر قیمتی باشد به دنبال آن می‌رود؛ بدین ترتیب، هر روز دل به دلبری می‌بندد و با دیگری وداع می‌گوید! اما در محیطی که حجاب است (و شرایط دیگر اسلامی رعایت می‌شود)، دو همسر به یکدیگر تعلق دارند و احساسات، عشق و عواطفشان مخصوص یکدیگر است، ولی در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به صورت کالای مشترکی (دست‌کم در مرحلهٔ غیر آمیزش جنسی) درآمده‌اند، دیگر

^۱ - مطهری، مسئله حجاب، ص ۸۰-۹۵.



قداست پیمان زناشویی، مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت، به سرعت متلاشی می‌شوند و کودکان، بی‌سرپرست می‌مانند.^۱

^۱ - تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۶

تربیت نسل سالم

زنان، مریبان جامعه هستند و مرد و زن، از دامن زن به معراج می‌روند؛ بنابراین، راه و روش والدین، به‌خصوص مادر، روی فرزندان نقش بسزایی دارد. اسلام می‌خواهد زنان، انسان‌های کاملی شده باشند تا بتوانند انسان‌های متکاملی را تربیت کنند.

امام خمینی رحمته

درباره جایگاه و نقش زنان می‌فرماید:

قرآن کریم، انسان‌ساز است؛ وظیفه زن‌ها نیز انسان‌سازی است؛ اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط گرفتار خواهند شد.^۱

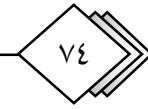
به عبارت دیگر، اسلام با دعوت بانوان به حجاب، حیا و عفت، از عاطفه او در راه تربیت بشر استفاده می‌کند، ولی دنیای مادی، حجاب را از او می‌گیرد، تا به شکل عروسک و اسباب‌بازی (مثل استفاده از عکس بانوان در تبلیغات کالاها) به بازی بیاید و غریزه را تأمین کند و چون چنین زنی که با بدحجابی و توجه بیش از اندازه و غیرمعقول به ظاهر خویش، در پی جلب دیده‌های آلوده و شهوت‌ران است، برده شهوت می‌شود و هویت واقعی خود را از دست می‌دهد! لذا نمی‌تواند مربی انسان و معلم عاطفه باشد، تا خود و نسل جدید را پرورش دهد؛ بنابراین حجاب برای زن، نوعی قدرت و تسلط بر خود و عامل تربیت خود و

^۱ - سایت پایگاه خبری - تحلیلی بانوان، «دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) درباره جایگاه و نقش زن».

ابعاد لزوم حجاب



دیگران است.



بخش پنجم:

بعد اجتماعی

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

❖ مفهوم حجاب چیست؟

❖ مفهوم عفاف چیست؟

حجاب و امنیت اجتماعی

زن به عنوان نیمی از نیروی انسانی یک جامعه در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی فرهنگی و اقتصادی می تواند نقش به سزایی داشته باشد. اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور او را در اجتماع رقم زده است. حجاب نه تنها این نیروی عظیم را از تباه شدن نجات می دهد بلکه جلو فساد و ناهنجاری های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است همه اقشار جامعه در مقابل سلامت نفسانی جامعه مسئولند و البته مسئولیت مهم تر در این باره بر عهده زن است.

حجاب عفاف اجتماعی را تقویت می کند و عفاف اجتماعی نیز در تنظیم و سلامت اخلاق اجتماعی نقش موثری دارد. حجاب ارضای غرایز جنسی را در چارچوب مشروع و قانونی حمیت و هدایت می کند و بر عکس بی حجابی از عوامل موثر در گسترش بی بندوباری و در نتیجه مقدمه ای برای درهم شکستن مرزهای اخلاقی جامعه است. از فلسفه های حقیقی و خوب حجاب، مصونیت جامعه از فساد می باشد. زن در سنگر حجاب خود نه تنها از تیر نگاه های زهرآلود و سخنان آزار دهنده در آمان خواهد بود بلکه امنیت و آرامش درونی خود و اجتماع خویش را برقرار خواهد کرد اما در جوامعی که حجاب را رعایت نمی کنند و جذابیت جنسی در معرض دید عموم قرار می گیرد سلامت جنسی جامعه و در نتیجه سلامت فرد فرد اعضای جامعه به خطر می افتد.

از مهم ترین عواملی که بانوان توسط آن به آرامش روحی و روانی دست یافته و امنیت اجتماعی جامعه را فراهم می نمایند این است که معتقد گردند احکامی که برای بشریت تشریح گردیده بدون نقص و

دارای آثار مطلوبی از جانب خدای متعال است. پرهیزگاری بانوان ضامن
تامین امنیت اجتماعی است و تا این اعتقاد معنوی در قلب بانوان شکل
نگیرد، حجاب را نوعی محدودیت برای خود قلمداد می نمایند و این
امرانیت اجتماعی را تهدید می کند. شناخت سیمای زن، حقیقت
حجاب، فلسفه و آثار آن از جمله پایه های مستحکم پوشش دینی و تبلور
امنیت اجتماعی است. به عبارت دیگر زن با آگاهی از این ها نه تنها
احساس سنگینی از پدیده حجاب نمی کند بلکه از حجاب استقبال هم
می نماید.

پاسداری از سلامت اخلاقی

حجاب و عفاف از فساد های اخلاقی در جامعه جلوگیری می کند. برعکس بی حجابی و بی عفتی سبب آزادی روابط زن و مرد و بی بندوباری است. امام رضا علیه السلام وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفاسد اخلاقی معرفی می کند، که نتیجه نبودن حجاب و عفاف است. مستکبران عالم بارواج فحشا، همیشه از آن برای تسلط بر فرهنگ ملتها سود برده اند تا جایی که در پروتکل یهودی آمده است: «فروید از ماست و به زودی رابطه جنسی زن و مرد چنان آشکارا و برملا انجام می شود که در نظر جوان، هیچ چیز مقدسی وجود نداشته باشد و پیوسته همت او صرف اشباع غرایز شهوی اش گردد، در این صورت است که اخلاق فرو میزد.»^۱ اینکه عده ای تصور می کنند کثرت طلاق به خاطر حجاب است دچار اشتباه شده اند زیرا؛ «کثرت طلاق به سبب حجاب نیست، غالباً طلاق مستند به این است که شوهر از انس و محبت زن خود دست کشیده و برای خود، کس دیگری را رفیق و طرف عشق قرار می دهد که آن هم از آثار بی حجابی است نه از آثار حجاب».^۲

دکتر مکیه مزر در باره ی آثار مخرب آزادی روابط زن و مرد در نظام خانواده می نویسد: «یکی از آثار بی بند و باری این است که مردان از

۳- همان، ص ۳۱.

۲- رجبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۶.

۳- مهدیزاده، فلسفه حجاب، ص ۱۲۷.

تشکیل خانواده خودداری می کنند؛ زیرا لذت های جنسی برای آن ها همیشه فراهم است و به آسانی می توانند به آن برسند، بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند.^۱

باید دانست کلام آنهایی که تکامل انسان را به حیطة فردی محدود کرده اند مغالطه ای بیش نیست چرا که اگر انسان از انجام فراگیر تکالیف دست بردارد فوراً جامعه رو به فساد خواهد گذاشت، و در چنان جامعه ای چگونه یک فرد کامل می تواند زندگی کند، و اگر با داشتن ملکات فاضله فردی، در اجتماع آن را بروز و ظهور ندهد مفهومی تخلف این ملکات از آثار قطعی آنها است.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه در این زمینه بیانی دارد مبنی بر اینکه: « همه موجودات این جهان به سوی تکامل می روند، و نوع انسان تکاملش در دل اجتماع صورت می گیرد، به همین دلیل ذاتاً اجتماعی آفریده شده است.»^۲

از سوی دیگر اجتماع در صورتی می تواند پرورش و تکامل انسان را تضمین کند که دارای احکام و قوانین منظمی باشد، و افراد مجتمع در پرتو احترام به آن قوانین، امور خود را سامان دهند و از تصادمها پیشگیری کنند و حدود مسئولیتها را مشخص نمایند؛ به تعبیر دیگر اگر جامعه انسانی صالح گردد، افراد می توانند به هدف نهایی خویش در آن برسند و اگر فاسد شود افراد از این تکامل باز میمانند.

^۱ - مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۴۳۷.

^۲ - مکارم، ناصر، تفسیر نمونه؛ ج ۱۱؛ ص ۱۴۵.

این احکام و قوانین، اعم از قوانین اجتماعی و یا فردی، در صورتی مؤثر خواهد بود که هم چون حجاب که از مسلمات اسلام است از طریق نبوت و وحی آسمانی گرفته شود.

از این رو می‌گوئیم حجاب یک «الزام اجتماعی» است؛ لذا وضع زندگی اجتماعی انسانها به گونه‌ای است که به مقوله حجاب و احکامی از این دست، به شدت نیازمند است و آن را به عنوان یک «ضرورت» پذیرفته است.

هر چند هر انسانی در آغاز چنان است که می‌خواهد از هر نظر آزاد باشد و هیچ گونه محدودیتی در زندگی او وجود نداشته باشد، ولی کم‌کم می‌فهمد که این گونه آزادی او را از بسیاری از امتیازات زندگی جمعی محروم می‌سازد، و به خواسته‌های اصیل او زیان می‌رساند؛ و اگر قید و بندهایی به نام «قانون» را نپذیرد، اجتماعی که در آن زندگی می‌کند گرفتار هرج و مرج می‌شود و از هم متلاشی می‌گردد. اینجاست که تن به مقررات و اصول و قوانینی می‌دهد.

همینطور با پیشرفت جوامع؛ روز به روز بر میزان این قید و بندها افزوده می‌شود، و باز همه آنها را به عنوان «ضرورت» می‌پذیرد.

ولی مهم این است که یک «نیاز واقعی» جامعه آن قدر آشکار گردد که ضرورت بودنش را، همه یا حداقل متفکران و رهبران جامعه بپذیرند؛ و این در درجه اول بستگی به بالا رفتن سطح آگاهی و شعور اجتماعی مردم دارد، و سپس ارتباط با آشکار شدن نتایج نامطلوب وضع موجود جامعه و عدم امکان ادامه راه دارد.

اینگونه است که حجاب‌گرایی در قالب «الزام اجتماعی»، به نوبه

خود مردم جهان را خواه ناخواه به سوی اهتمام به پوشش و حجاب فطری سوق خواهد داد. زمانی فرا خواهد رسید که سطح شعور اجتماعی در جهان به مرحله ای می رسد که به روشنی می بینند تبعات مخرب برهنگی چه عاقبت وحشتناکی در پیش دارد؛ لذا ناگزیر به رعایت عفاف و حجاب در سطح عمومی جامعه خواهند شد که آثار آن از هم اکنون در برخی جوامع بشری آشکار شده است.

آری تا جامعه انسانی بر پا است و زندگی او در این جهان ادامه دارد اهتمام به تکالیف اجتماعی حجاب و نیز کارکردهای اجتماعی آن ادامه خواهد داشت، از سوی دیگر بر چیده شدن بساط تکلیف اجتماعی از انسان، مفهومی جز فراموش کردن احکام و قوانین و گسترش فساد جوامع بشری نخواهد داشت!

اما تأسف آور است که برخی کلمه اجبار را به غلط استعمال می کنند، حال آنکه بی حجابی ربطی به زندگی خصوصی کسی ندارد بلکه در ملاء عام بوده و عمومی است و در صحنه اجتماع کاری انجام می شود که گناه است، لذا نمی توان به بهانه های مختلف گفت که کارهای خلاف و گناه در جامعه آزاد باشد، اگر بنا شد آزادی این چنینی وجود داشته باشد منحصر به حجاب نمی شود و مشکلات دیگر نیز پدید می آید.

هم چنین باید دانست تمسک برخی به آیه «لا اکراه فی الدین؛ در قبول دین، اکراهی نیست» منحصر به اصول اعتقادی است که نمی شود عقاید باطنی مردم را عوض کرد، لیکن این آیه بدان معنا نیست که همه برای هرکاری آزاد هستند و خط قرمزی وجود ندارد. لذا اینگونه نیست که با تمسک نادرست به این آیه بتوان کارهای خلاف هم چون بی

حجابی را توجیه کرد.

استواری اجتماع

بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع می شود. اسلام نمی خواهد زن بیکار بنشیند و موجودی عاطل و باطل بار آید و پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی و اجتماعی نیست. زنانی که با رعایت حجاب و بدون آرایش در محیط جدا و یا مشترک با مردان کار می کنند، نسبت به زنان بی حجاب موفق ترند. یکی از راه هایی که کشورهای سرمایه دار غرب برای بی حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خویش به کار می برد ترویج بی حجابی است

مسئولیت پذیری

انجام موفقیت آمیز مسئولیت به استعداد و برخورداری از توانمندی های مناسب و ظرفیت های روان شناختی و جسمی نیازمند است. فرد بی حجاب بخشی از زمان خود را صرف رسیدگی های خاص خود می کند که باعث می شود از وقت لازم برای انجام مسئولیت هایش کاسته شود و از طرفی با بی حجابی خود محیط را آلوده می کند و موقعیت را برای فعالیت مسئولیت پذیرانه نامساعد می سازد. بی حجاب نه تنها از قبول مسئولیت های سنگین شانه خالی می کند بلکه دیگران را هم از انجام دادن تعهداتشان باز می دارد و در نتیجه راندمان فعالیت خانوادگی و اجتماعی را کاهش می دهد.

ایجاد امنیت

بالاترین خواسته های مردان تمایل به جنس زن است زنان با ارایه زیبایی ها و مواضع بدن خود آتش شهوت مردان را شعله ور ترمی کنند و این مسئله موجب سلب امنیت و آرامش زنان می شود. سهل انگاری در مسئله حجاب منجر به مسایلی مانند دزدیده شدن ، تجاوز ، آزار و اذیت و تجارت آنان می گردد. برخی براین باورند که بین محدودیت ، طغیان و ناامنی در جامعه رابطه مستقیم وجود دارد حال اینکه آمار ناامنی و تجاوز در کشورهایی مثل آمریکا بسیار بیشتر از جوامع دیگر است.



بخش پنجم:

بعد اقتصادی

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

❖ مفهوم حجاب چیست؟

❖ مفهوم عفاف چیست؟

حجاب و اقتصاد

استفاده از حجاب و پوشش، به‌ویژه در شکل چادر مشکی، به دلیل سادگی و ایجاد یک‌دستی در پوشش بانوان در بیرون منزل، می‌تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبتی بر کاهش تقاضاهای مُدپرستی بانوان داشته باشد؛ البته به شرط این‌که خود چادر مشکی، دست‌خوش این تقاضاها نگردد. امروزه نیز بعد از انقلاب اسلامی با چشم خود گروه‌گروه زنانی را می‌بینیم که با داشتن حجاب اسلامی در همه جا حاضرند، در اداره‌ها، در کارگاه‌ها، در راه پیمائیها و تظاهرات سیاسی، در رادیو و تلویزیون، در بیمارستانها و مراکز بهداشتی، مخصوصاً در مراقبتهای پزشکی برای مجروحین جنگی، در فرهنگ و دانشگاه، و بالاخره در صحنه جنگ و پیکار با دشمن. هم‌چنین اشکال می‌شود که حجاب یک لباس دست و پاگیر است و با فعالیتهای اجتماعی مخصوصاً در عصر ماشینهای مدرن سازگار نیست، یک زن حجاب دار خودش را حفظ کند یا چادرش را و یا کودک و یا برنامه اش را؟!!

زنان کشاورز و روستائی ما، مخصوصاً زنانی که در برنجزارها مهمترین و مشکلترین کار کشت و برداشت محصول برنج را بر عهده دارند عملاً به این پندارها پاسخ گفته اند، و نشان داده اند که یک زن روستائی با داشتن حجاب اسلامی در بسیاری از موارد حتی بیشتر و بهتر از مرد کار می‌کند، بی‌آنکه حجابش مانع کارش شود.

متأسفانه گاهی مظاهر مُدپرستی در چادرهای مشکی نیز مشاهده می‌گردد، به گونه‌ای که برخی بانوان به جای استفاده از چادرهای مشکی متین و باوقار، به چادرهای مشکی توری، نازک و دارای طرح‌های جلف

و سبک که با هدف و فلسفه حجاب و پوشش تناسبی ندارند، روی می‌آورند.

کاهش مصرف گرایی

حجاب، زن را از مدگرایی، چشم و هم‌چشمی، آرایش و پوشیدن لباس‌های متنوع - که موجب رواج روحیه مصرف‌گرایی شده و هزینه‌های کاذب زیادی را به افراد و جامعه تحمیل خواهد کرد - بی‌نیاز می‌کند و مسئولان را از واردات بی‌رویه کالای تجملاتی و لوازم آرایشی مبتذل، نهی می‌نماید.

اقدامات بیگانگان در زمینه کشف حجاب و کشاندن زنان به عرصه‌های بی‌عفتی با نام آزادی و پیشرفت و ترقی زنان، تنها با انگیزه‌های سیاسی نبوده و نظام سرمایه‌داری غرب برای بازاریابی کالاهای تولید شده و داشتن مصرف‌کننده بیشتر، همواره سعی در بهره‌کشی از زنان داشته است و با از میان برداشتن حجاب و عفاف زنان و مسخ فرهنگی آنان، بازار مصرف آن‌ها گرم و سود بیشتری به جیب کمپانی‌های بزرگ سرازیر می‌شود. با این حال حجاب سد راه آنهاست. چرا که در دنیای سرمایه‌داری اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، دیگر مصرف‌کننده لایقی برای سرمایه‌داران غربی نخواهد بود و نیز وظیفه دیگرش را که انحطاط اخلاق جوانان، ضعف اراده‌ی آن‌ها و ایجاد رکود در فعالیت‌های اقتصادی، به نفع استعمار غرب انجام نخواهد داد. پس با کشف

حجاب است که مصرف زدگی به شدت رواج می یابد.^۱

آمارهای وارداتی و مصرف لوازم آرایشی، تأثیر حجاب بر اقتصاد را خیلی واضح نشان می دهد؛ برای نمونه، به آماری که شهید مطهری ارائه می دهد، اشاره می شود: حقیقت این است که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ماست و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افیم، از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی ها و شهوت رانی های سرمایه داران غرب است؛ بلکه یکی از طرق و وسایلی است که آن ها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و درآوردن آن ها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می برند. «اطلاعات» ۱۳۴۷/۹/۵ گزارشی از اداره کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی نقل کرده است. درباره لوازم آرایش چنین می نویسد: «تنها در ظرف یک سال ۲۱۰ هزار کیلو مواد و لوازم آرایشی از قبیل: ماتیک، سرخاب، کرم، پودر و سایه چشم برای مصرف خانم ها وارد شده است. از این مقدار، ۱۸۱ هزار کیلوگرم آن انواع کرم بوده است. در این مدت، به ۱۶۵۰ قوطی، ۵۰۰ دوجین پودر صورت، ۴۶۰۴ عدد رژ لب، ۲۲۸۰ عدد صابون لاغری و ۲۲۸۰ آمپول آرایشی اجازه ورود داده شده است؛ البته باید ۳۱۰۰ عدد سایه چشم و ۲۴۰۰ خط چشم را نیز به آن اضافه کرد.» آری، باید زن ایرانی به بهانه «تجدد»، «تقدم» و «مقتضیات زمان» هر روز و هر ساعت، با وسایلی که در دنیای سرمایه داری تهیه

۱ - همان.



می شود، خود را در معرض نمایش بگذارد تا بتواند چنین مصرف‌کننده لایقی برای کارخانه‌های اروپایی باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای همسر قانونی و یا برای حضور در مجالس اختصاصی زنان بیاراید، نه مصرف‌کننده لایقی برای سرمایه‌داران غربی خواهد بود و نه وظیفه و مأموریت دیگرش را که عبارت است از: انحطاط اخلاق جوانان و ضعف اراده آنان و ایجاد رکود در فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.^۱

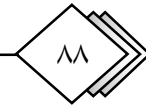
کنترل مدپرستی

استفاده از حجاب می تواند از بُعد اقتصادی نیز تأثیر مثبت در کاهش تقاضاهای مدپرستی بانوان داشته باشد.^۲ با داشتن حجاب زنان احساس نیاز نمی کنند که برای عقب نماندن از قافله مُد، با لباس جدید برای عرضه اندام به کوچه و خیابان بیایند و بسان افرادی که هیچ فعالیت و مسئولیتی در مقابل خود و خانواده و اجتماع ندارند، بر سر کیف و کفش و لباس جدید با هم رقابت داشته باشند.

زنان و مردان دارای جاذبه و کشش خاصی نسبت به هم هستند. حجاب، زنان و مردان را وامی دارد که فارغ از انگیزه‌ها و ویژگی‌های جنسیتی خود، به عنوان انسان‌هایی متفکر و خلاق، قابلیت و استعدادهای انسانی خویش را ظاهر سازند و در عین حال، از بی‌بندوباری نیز دوری کنند. حجاب، بستری سالم و مناسب برای کار و فعالیت زنان و مردان

^۱ . مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۹۳-۹۴

^۲ . خبرگزاری فارس، آثار اجتماعی حجاب در جامعه، www.farsnews.com



فراهم می‌آورد؛ در نتیجه، در محیطی که زنان و مردان، پوشش و حیا را رعایت می‌کنند، راندمان کار نیز افزایش می‌یابد و همین امر موجب پیشرفت در همهٔ مسائل، از جمله اقتصاد می‌شود.

استیفای نیروی کار و رونق اقتصاد

یکی از فواید حجاب اسلامی در بعد اقتصادی این است که موجب حفظ و استیفای نیروی کار و رونق اقتصاد می‌شود و در برابر آن بدحجابی و کشاندن تمتعات جنسی و شهوانی از محیط خانه به اجتماع نیروی کار و فعالیت اقتصادی را ضعیف می‌کند. زنانی که تمام فکرشان آرایش و به خود بستن زیبایی‌های ظاهری و پوشیدن لباس‌های رنگارنگ باشد، بدیهی است که از ایفای نقش اجتماعی که پذیرفته‌اند، باز خواهند ماند یا حداقل سهم عظیمی از نیروی بالقوه خود را به هدر خواهند داد. این بانوان همچنین موجب پریشانی افکار مردان خواهند شد و جامعه در مدت زمان کوتاه قسمت عمده‌ای از نیروهای بالقوه (زن و مرد) خود را که باید در راستای پیشرفت، سازندگی و فعالیت‌های سالم به کار گرفته شود از دست داده‌اند. به این ترتیب نیروهای مثبت به مرور تبدیل به نیروهای منفی و بازدارنده خواهند شد. محیط ادارات که می‌بایست محیط کار، تلاش، تولید و توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد، نباید به نمایشگاه مد و روابط ناسالم بین زنان و مردان تبدیل گردد. بنابراین از گام‌های اساسی در جهت بازدهی بالای نیروی کار باید از طریق ادارات و مراکز تحت پوشش دولت برای ریشه کن ساختن مظاهر فساد و بدحجابی اقدام شود، تا با رعایت شؤون اسلامی یعنی حجاب و عفاف بین افراد، استیفای نیروی کار به عمل آید. باید بگوییم حجاب مانع فعالیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیست. از قضا آنچه مانع کار بیشتر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... است، بی‌حجابی یا بدحجابی است زیرا در صورت با حجاب بودن وقت مردان صرف هوا و

هوس و چشم‌چرانی و وقت زنان صرف آرایش کردن نمی‌شود.^۱ آیا اگر مردی در خیابان، بازار، اداره، کارخانه و... دائماً با قیافه‌های محرک و مهیج زنان آرایش کرده مواجه باشد، بهتر سرگرم کار و فعالیت می‌شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبه‌رو نشود؟ اگر باور ندارید، از کسانی که در این محیط کار می‌کنند، پرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره‌ای که سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد، از این نوع آمیزش‌ها جلوگیری می‌کند. اگر باور ندارید، تحقیق کنید.^۲

مطالعات دانشمندان تربیتی نیز نشان داده، مدارسی که در آن دختر و پسر با هم درس می‌خوانند و مراکزی که مرد و زن در آن کار می‌کنند و بی‌بندوباری در آن‌ها حکم فرماست، کم‌کاری، عقب‌افتادگی و عدم احساس مسئولیت، به خوبی مشاهده شده است. کشورهای بی‌دین اسلام قائل نیستند نیز، به این بُعد از فواید حجاب (حفظ حریم بین زن و مرد) رسیده‌اند؛ برای مثال، بیمارستانی در ژاپن تأسیس شده که مخصوص خانم‌هاست، تمام کارکنان بیمارستان زن هستند و فقط بیمار خانم می‌پذیرد. این تدبیر آن قدر با استقبال مردم مواجه شده است که از یک ماه پیش، نوبت می‌گیرند تا از این بیمارستان استفاده کنند! هم‌چنین جداسازی واگن‌های خاص زنان در کشور ژاپن و برخی کشورها نشان می‌دهد، آن‌ها نیز به این نتیجه رسیده‌اند که برای افزایش راندمان کار و

^۱ - صمدی، آثار اقتصادی حجاب، www.tebyan.zn.ir.

^۲ - مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۲-۹۳.

^۳ - تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۶.



بهینه‌سازیِ فعالیت‌های اجتماعی، باید حریم میان زن و مرد حفظ شود.^۱ بنابراین، حجاب از سویی، با خشکاندن ریشه بسیاری از تفاخرها، تکاثرها، اسراف‌ها و استفاده کردن هزینه‌های این لوازم در مسیر تولید و از سوی دیگر، با افزایش راندمان کاری در جامعه، موجب پیشرفت اقتصادی آن جامعه خواهد شد.

^۱ - وبلاگ حجاب برتر.

بخش پنجم:

بعد بهداشت سلامت

در این بخش عناوین زیر را می‌خوانیم:

❖ مفهوم حجاب چیست؟

❖ مفهوم عفاف چیست؟

سلامت روحی و جسمی

یکی از عوامل مهم برای برخورداری جامعه از سلامت روانی، وجود حجاب و عفاف است. اسلام بی حجابی و بدحجابی را نهی کرده است، زیرا سلامت روانی را از جامعه سلب می کند و درمقابل تاکید بر داشتن حجاب و عفاف برای ایجاد امنیت و سلامت روانی داشته است.

سلامت روانی

یکی از موارد فلسفه حجاب جلوگیری از تحریک مردان است. زیرا برهنگی زنان افزون بر تحریک مردان، هیجان‌های بیمارگونه عصبی و بیماری‌های روانی را در پی خواهد داشت. یکی از عللی که در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است؟ علتش آزادی و فساد اخلاقی جنسی و تحریکات فراوان سکسی است که به وسیله مجلات و سینماها و تئاترها و محافل رسمی و غیر رسمی و حتی خیابان‌ها و کوچه‌ها انجام می شود.^۱

در تفسیر المیزان، ذیل آیه ۵۳ سوره احزاب آمده است: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» این جمله مصلحت حکم مزبور را بیان می کند، و می فرماید: «برای این که وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت کنید، دل‌های شما دچار وسوسه نمی شود، و در نتیجه این رویه، دل‌های شما را پاک نگه می دارد.»^۲

سلامت جامعه نیز اصل و ریشه هر خیر و برکتی است؛ زیرا امنیت

۱ - جعفریان، رسائل الحجایه، ص ۱۱۵۰.

۲ - طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۰۷.

اجتماعی بدون اجرای احکام الهی امکان پذیر نیست؛ در غیر این صورت ظلم و فساد سطح جامعه را فرا می گیرد؛ شهرها ویران، و بندگان خدا به استضعاف کشیده می شوند. بدیهی است حجاب به عنوان یکی از مهمترین احکام الهی و نیاز فطری انسانها؛ سبب سلامت جامعه انسانی است؛ لذا اگر عفاف و پوشش اسلامی از ساحت جامعه برچیده شود چالش های اجتماعی فراوانی جامعه را فرا می گیرد؛ حال آنکه حجاب به عنوان یک هنجار اجتماعی، در راستای پیش گیری از تخلفات اجتماعی نقش موثری ایفا می کند.

اما به راستی هنگامی که بی حجابی و بدحجابی در جامعه ای رواج پیدا کند و جوانان آن جامعه با چنین صحنه هایی روبرو باشند چه سرنوشتی در انتظار آن جامعه خواهد بود؟ در پاسخ باید گفت امروزه ثابت شده که بدحجابی و بی حجابی بلای سلامت، جامعه بشری، و معنویات انسان است؛ به نحوی که مردان مخصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می دهد تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آنها و ایجاد هیجانهای بیمار گونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می گردد، مگر اعصاب انسان چقدر می تواند بار هیجان را بر خود حمل کند؟ مگر همه پزشکان روانی نمی گویند هیجان مستمر عامل بیماری است؟

توجه به این مسأله وقتی مهمتر می شود که بدانیم غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آنجا که گفته اند «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید مگر اینکه پای زنی در آن در میان

است! حال آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی و بی حجابی به این گزینه و شعله ور ساختن آن کار عاقلانه ای است؟

بی تردید بی حجابی سبب می شود که گروهی از زنان، در یک مسابقه بی پایان، در نشان دادن اندام خود و تحریک مردان هوسباز شرکت کنند. این امر در عصر و زمان ما که به خاطر گرفتاری های تحصیلی و اقتصادی سن ازدواج بالا رفته و قشر عظیمی از جامعه را جوانان مجرد تشکیل می دهد، آثار بسیار زیانباری دارد.

با این تفاسیر می توان دریافت یکی از اموری که به شهوت جنسی دامن می زند، «برهنگی و خودآرایی زنان و مردان» برای یکدیگر است که تأثیر آن، به خصوص در میان جوانان مجرد، قابل انکار نیست، به گونه ای که می توان گفت: آلودگی به بی عفتی رابطه مستقیمی با بی حجابی، برهنگی و خودآرایی در انظار عموم دارد؛ حتی طبق بعضی از آمارهای مستند، هر قدر این مسئله تشدید شود، به همان نسبت آلودگی به بی عفتی بیشتر می شود؛ مثلاً، در تابستان که به خاطر گرمی هوا، برهنگی زنان بیشتر می شود، به همان نسبت مزاحمت های جنسی افزایش می یابد و به عکس، در زمستان که زنان، پوشش بیشتر دارند؛ این گونه مزاحمت ها کمتر می شود.

از این جهت است که اسلام می خواهد مردان و زنان مسلمان روحی آرام و اعصابی سالم و چشم و گوشی پاک داشته باشند، لذا بر رعایت حجاب در جامعه به شدت تأکید شده است. بدین ترتیب دستور مؤکد به حجاب در اسلام در راستای مقابله با تحریک جوانان از طریق خودنمایی زنان صادر شده، تا تبعات بی حجابی در جامعه از میان برود.

آری اگر سلامت جامعه و امنیت و آرامش را طالب باشیم، باید از تهاجم به مسأله حجاب به شدت پرهیزیم.^۱

آرامش روحی و روانی

به عقیده اریک فرم موثرترین عامل در رشد شخصیت انسان، بر آوردن معقول نیازهای روانی است که حیوان پست این نوع نیازها را ندارد. انسان سالم نیازهای روانی، نه نیازهای جسمانی مانند گرسنگی، تشنگی و امورجنسی و... خود را از راه های اخلاقی ارضاء می کند و اشخاص ناسالم از راه های نامعقول. بی حجاب در اندیشه خود و زیبایی خویش است این امر عقده حقارت انسان را می نمایاند زمینه رشد و تعالی وی را نابود می سازد در حالی که زن مانند مرد یک انسان است و باید از نظر انسانی رشد و تکامل یابد.

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت های بی بندوبار، التهاب های جنسی را فزونی می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی درمی آورد. غریزه جنسی غریزه ای نیرومند است که هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می شود. تدابیر اسلام برای رام کردن این غریزه زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند. زن باید با حجاب و بدون آرایش در جامعه حضور یابد.

اصل موضوع پوشش و حجاب، عملی است که در جامعه اتفاق می افتد و بر افکار، تمایلات و حتی روحیه دیگران تأثیر می گذارد؛ پس نمی توان آن را موضوعی شخصی تلقی کرد. افراد جامعه همان گونه که

^۱ - پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم

باید حریم فیزیکی دیگران را رعایت کنند و بدون اجازه وارد آن نشوند، از نظر روحی نیز اجازه ندارند حریم‌ها را در هم شکنند و بر روحیه و تمایلات افراد دیگر تجاوز کنند. پس بی‌حجابی از آن‌جایی که موجب تجاوز به حریم خصوصی و انحراف بقیه می‌شود، نه تنها از مصادیق آزادی نیست، بلکه در اجتماع، عملی ضد آزادی، یعنی دیکتاتوری روحی و روانی به حساب می‌آید.

وقتی زن، قیافه نامناسبی برای خودش درست کند، طبیعتاً نگاه مردها را به خود جلب می‌کند؛ یعنی زن با بی‌حجابی خود، به چشمان مردها تجاوز می‌کند و محبت خودش را در دل آن مرد جای می‌دهد و چون مرد با آن زن نمی‌تواند رابطه داشته باشد، از لحاظ روحی اذیت می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین ماندگاری می‌گویند:

اگر زن با آرایش و طنازی در دل دیگری و نامحرم رفت، از جایگاه خود، یعنی از زندگی و خانواده خود کنده می‌شود؛ در نتیجه، هم لطافت روح خود را از دست می‌دهد و هم نمی‌تواند به نقش‌های خود و مسئولیت خود نسبت به همسر، خانواده و فرزندان پردازد؛ بنابراین هم به این افراد و هم به آن مرد نامحرم و خانواده او - که باید توجه آن مرد را داشته باشند - ظلم می‌کند. آزادی تا آن‌جا محترم و مجاز است که برای دیگران ضرر نداشته باشد، جامعه را دچار فساد و اختلال نکند و با حقوق سایرین منافات نداشته باشد. بدحجابی، موجب اختلال روحی و روانی دیگران می‌شود؛ لذا نه تنها عاملی آزادانه به حساب نمی‌آید، بلکه

مزاحمتِ دیگران را در پی خواهد داشت.

در واقع بدحجابی، ترویج فرهنگ هرزگی، فساد و خفت و عملی تخریبی است؛ لذا از نگاهی، نوعی نقص اجتماعی است و اگر مرتفع نشود، به بیماری مسری تبدیل شده و همه را تهدید خواهد کرد. پس دعوت به پوشش، نه تنها توهین نیست، بلکه احترام، حریت و تقدس برای زن است، تا او را از نگاه‌های حیوانی و مادی به دور سازد، زیرا هیچ کس به نام «آزادگی»، حفاظِ شیئی گران‌بها و ارزش‌مند را کنار نمی‌گذارد.

اصولاً آزادی، مربوط به روح بشر و از مقوله آرامش و راحتی است که به نسبت روح سنجیده می‌شود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس شهوت‌ها را ترک کند، آزاد و حرّ خواهد بود.» در واقع، شهوت‌ها و آزادی‌های بی‌قیدوبند، مثل زنجیر محکمی روح و روان آدمی را به بند می‌کشد و انسان آزاد، همت خود را برای ترک شهوت‌ها و زیاده‌طلبی‌ها معطوف کرده و خود را آزاد می‌کند.

محمدرضا آقاسی، آرایش زنان در معابر عمومی را سلب آسایش دیگران بیان می‌کند:

ای عاشق مدهای رنگارنگ ای فریفته لباس‌های روشن و تنگ
در خیابان چهره آرایش مکن از جوانان سلب آسایش مکن!

سلامت جسمانی

حفظ سلامت جسمی یکی از کارکرد های مهم حجاب و عفاف در جامعه است. عدم پوشش مناسب زنان و به دنبال آن بی بند و باری جنسی علاوه بر اثرات روحی و روانی، پیامدهای جسمی را به دنبال دارد، بیماریهای مانند ایدز در اکثر موارد، توسط افراد بی بند و بار در روابط جنسی آزاد به وجود آمده است. با رعایت حجاب و عفاف که برای روابط افراد در جامعه چارچوب قرار می دهد و لذت های جنسی را محدود به خانه و همسر می کند.

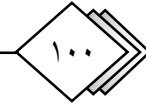
بهداشت و حجاب و عفاف
حجاب و عفاف مهمترین اصول بهداشتی هستند

کسانی که دنبال پاکی هستند
وَلَوْ طَافَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ (۸۰ الأعراف)
و (به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می دهید که هیچیک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! ۸۰»

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ (۸۱ الأعراف)
آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرف) هستید! ۸۱

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنْفُسٌ يَّطَّهَّرُونَ (۸۲ الأعراف)
ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «اینها را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها مردمی هستند که پاکدامنی را می طلبند (و با ما همصدا نیستند!)» ۸۲

فَأَنْجِبْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَائِبِينَ (۸۳ الأعراف)



(چون کار به اینجا رسید، ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم؛ جز همسرش، که از بازماندگان (در

شهر) بود. ۸۳_،_،_

کسانی که دنبال پاکی هستند

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (۵۴ النمل)

و لوط را (به یاد آور) هنگامی که به قومش گفت: «آیا شما به سراغ کار بسیار زشتی می روید در حالی که (نتایج شوم آن را) می بینید؟!»، ۵۴_،_،_

أَيُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (۵۵ النمل)

آیا شما بجای زنان، از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟! شما قومی نادانید!»،

۵۵

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِمَّنْ قَرَّبْتُمْ إِنَّهُمْ أَنْفُسٌ يَبْطِئُونَ (۵۶ النمل)

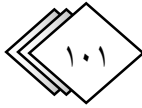
آنها پاسخی جز این نداشتند که (به یکدیگر) گفتند: «خاندان لوط را از شهر و دیار خود بیرون کنید، که اینها افرادی پاکدامن هستند!»، ۵۶

فَأَنْجَبِيَّاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ (۵۷ النمل)

ما او و خانواده اش را نجات دادیم، بجز همسرش که مقدر کردیم جزء باقی ماندگان (در آن شهر) باشد! ۵۷_،_،_

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ (۵۸ النمل)

سپس بارانی (از سنگ) بر سر آنها بارانندیم (و همگی زیر آن مدفون شدند); و چه بد است باران اندازشدگان! ۵۸



بهداشت در ایام عادت

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى فَأَعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (البقرة ۲۲۲)

و از تو، در باره خون حیض سؤال می کنند، بگو: «چیز زینبار و آلوده ای است؛ از این رو در حالت قاعدگی، از آنان کناره گیری کنید! و با آنها نزدیکی ننماید، تا پاک شوند! و هنگامی که پاک شدند، از طریقی که خدا به شما فرمان داده، با آنها آمیزش کنید! خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. ۲۲۲

بهداشت در جنابت

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يَرِيْدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يَرِيْدُ لِيَطْهَرَكُمْ وَلِيَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۶ المائدة)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که به نماز می ایستید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی] و دستها بکشید! خداوند نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید! ۶

نقاب و پوشیه در سیره زنان مسلمان:

بدون تردید سنت جاری حجاب در جهان اسلام، به گونه ای بوده است که زنان، تمامی جسم خویش را که بیشتر موارد شامل صورت و دستانش می شده می پوشانده اند و این رسم، هنوز هم میان بسیاری از مسلمانان، در نقاط مختلف دنیای اسلام رواج دارد. چادر- پوشیه- دستکش بهترین راه مقابله با انتشار کرونا در اماکن عمومی است

همچنین بهترین راه مبارزه با نگاه های فاسد مردان که از کرونا خطرناک تر است

جذائیت

حفظ حجاب و رعایت آن باعث آرامش روحی و روانی زنان شده و این آرامش روحی بر جسم او تاثیر می گذارد. انجمن سلامت شمال آمریکا اعلام کرد که زنان محجبه کمتر به بیماری پوستی دچار می شوند. علم پزشکی ثابت نموده برهنگی اعضای زن در محیط گرم یا سرد ، تعادل چربی های زیر پوست را بر هم زده و ظرافت و لطافت آن را از بین می برد .

ارتباط مستقیم بین دوری از شیء و جذائیت وجود دارد بنابراین پوشش و حجاب زن جذائیت او را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش را برای وصال فزونی می بخشد. امروزه بی حجایی عامل کاهش جذائیت است.

تمرکز حواس

با رعایت حجاب آراستگی ها و زیبایی های ظاهری ، جهتی صحیح می یابند از انحراف فکر و ذهن که همیشه مورد وسوسه شیطان است کاسته می گردد. حواس ، فکر و ذهن متوجه ارزش های واقعی و کمال جویی می شود . فرد راه علم ، ادب و هنر پیش گرفته و استعداد ها و خلاقیت های او شکوفا می شود .

فرد با فراغت بیشتر، می تواند صحیح بیاندهد و سرنوشت خود و خانواده اش را طراحی نماید

سلامت و پاکی نسل

قرآن کریم، علت حرمت بین زن و مرد را، پاکی و سلامتی فرد و جامعه می‌داند؛ لذا می‌فرماید: «ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ»؛ این (حفظ حریم بین زن و مرد) برای خودشان پاکی است. گسترش دامنه فحشا و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک‌ترین پی‌آمدهای بی‌حجابی است و نیازی به ارقام و آمار نیست و دلایل آن، به‌خصوص در جوامع غربی کاملاً نمایان است؛ به عبارت دیگر، آن قدر عیان است که حاجتی به بیان ندارد. نمی‌گوییم، عامل اصلی فحشا و فرزندان نامشروع، منحصراً بی‌حجابی است و استعمار ننگین و مسائل سیاسی مخرب در آن مؤثر نیست، بلکه می‌گوییم: یکی از عوامل مؤثر آن، مسئله برهنگی و بی‌حجابی است. با توجه به این‌که فحشا و فرزندان نامشروع، سرچشمه انواع جنایت‌ها در جوامع انسانی بوده و هستند، ابعاد خطرناک این مسئله روشن‌تر می‌شود. هنگامی که می‌شنویم در «انگلستان»، در هر سال پانصد هزار نوزاد نامشروع به دنیا می‌آید و جمعی از دانشمندان انگلیسی در این باره به مقامات آن کشور اعلام خطر کرده‌اند - نه به خاطر مسائل اخلاقی و مذهبی، بلکه به خاطر خطراتی که فرزندان نامشروع برای امنیت جامعه به وجود آورده‌اند، به گونه‌ای که در بسیاری از پرونده‌های جنایی، پای آن‌ها در میان است، به اهمیت این مسئله پی می‌بریم.^۲

۱ - نور، آیه ۳۰.

۲ - تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۴۵-۴۴۷

ابعاد لزوم حجاب



۱. پور بهمن، فریدون، ۱۳۹۰ (۱۳۸۶) چاپ دوم، پوشاک در ایران باستان، ویراستار: دنیا مملکت دوست، مترجم: هاجر ضیاء سیکارودی، تهران: امیر کبیر
۲. ضیاپور، جلیل، پوشاک باستانی ایرانیه از کهنترین زمان تا پایان شاهنشاهی ساسانیان، تهران.
۳. حسین مکی، تاریخ بیستساله ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸، ص ۴۵۰
۴. مهدی صلاح، کشف حجاب: زمینه‌ها، پیامدها و واکنش‌ها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، صص ۶۴ - ۶۶
۵. مکی، تاریخ بیستساله ایران، ج ۶، ۱۳۵۸ ص ۱۵۷. [۶]. صدر، خاطرات صدرالاشراف، ۱۳۶۴، ص ۳۰۲.
۶. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۰۲